

مجله علمی - دانشجویی زبان‌شناسی
دانشگاه الزهرا

سال دوازدهم، شماره ۱۹، پائیز ۱۴۰۱

هشتگ و تحلیل محتوا در فضای مجازی

آزفا: آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان

معرفی کتابی در حوزه زبان‌شناسی شناختی
با عنوان «در آمدی بر زبان‌شناسی شناختی (نظریه‌ها و مفاهیم)»

رویکرد معنی‌شناسی شناختی و بررسی حروف اضافه فارسی

شناسی

زبان



سخت‌گیر

فهرست مطالب

- یادداشت سردبیر
- هشتک و تحلیل محتوا در فضای مجازی..... ۳
- آزفا: آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان..... ۹
- معرفی کتابی در حوزه زبان‌شناسی شناختی با عنوان «در آمدی بر زبان‌شناسی شناختی (نظریه‌ها و مفاهیم)»..... ۱۳
- رویکرد معنی‌شناسی شناختی و بررسی حروف اضافه فارسی..... ۱۸

مجله علمی-دانشجویی زبان‌شناسی دانشگاه الزهرا (س)

صاحب امتیاز: انجمن علمی-دانشجویی زبان‌شناسی

استاد مشاور: دکتر ماندانا نوربخش

مدیر مسئول: فاطمه جعفری کلونکن

سردبیر: روزینا طاهری

ویراستار: فاطمه جعفری کلونکن

طراح گرافیک: مولود غلامی

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا): سوده سادات احمدکومنه، زهرا بادام‌دری، فریبا حسینی تشنیزی،

نسرین خردمند

نشانی: تهران، میدان ونک، خیابان ونک، میدان شیخ بهایی، دانشگاه الزهرا (س)

راه‌های ارتباطی:

ایمیل: bayan.alzahra@gmail.com

تلگرام: alzahralinguistics

اینستاگرام: alzahra.bayan.journal

وبلاگ: aubayan.blog.ir

آپارات: www.aparat.com/alzahra.linguistics

مسئولیت محتوای علمی مقالات به عهده مجله و استاد مشاور نمی‌باشد.

سخن سردبیر

روزگار می‌گذرد و دشواری‌ها یکی پس از دیگری طی می‌شود. بمان هم در فصلی که گذشت، دشواری‌هایی را پشت سر گذاشت. بدون شک این گذار، بدون همکاری و همراهی هیأت تحریریه بیان ممکن نبود.

تاخیر در انتشار این شماره، با رخداد خوشی همراه بود. امیدوارم با معرفی گروه آموزشی آرزای دانشگاه الزهرا، شوق و انتظار دانشجویان و پژوهشگران آزفا منجر به همکاری و درخشیدنشان در عرصه زبان‌شناسی و آموزش زبان گردد.

همچنین در این میان مطالب ارسالی به مجله، نظیر ثبت اختراع و نوآوری دریافت شد که تصمیم حمایت و سهیم شدن در فعالیت‌های پژوهشی به واسطه انتشار در مجله را بیش از پیش در برنامه‌ی بیان قرار داده و امیدواریم در شماره‌های بعدی شاهد آن باشیم.



روزینا طاهری

هشتگ و تحلیل محتوا در فضای مجازی

گزارش سخنرانی دکتر مسعود قیومی
عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
نویسنده گزارش: نسرين خردمند
دانشجوی دکتری زبان‌شناسی

ایمیل: n.kh1371@gmail.com

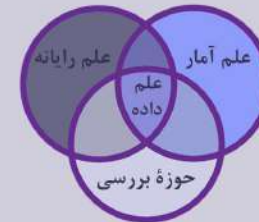


۱. مقدمه

دنیاى امروز، دنیای ارتباطات است؛ به گونه‌ای که افراد مختلف با میزان تحصیلات متفاوت از اقصی نقاط جهان به واسطه ابزارهای مختلفی که در دسترس دارند، از طریق اینترنت باهم ارتباط برقرار می‌کنند، و در این ارتباط، اطلاعاتی را تولید، ذخیره یا بازنشر می‌کنند و با دیگران به اشتراک می‌گذارند. این اطلاعات که حجم بسیار بالایی هم دارد، از طریق اینترنت منتقل می‌شود و از نظر علم داده‌ها بسیار ارزشمند است، زیرا با تحلیل این داده‌ها می‌توان به واقعیت‌های جامعه پی برد. این جامعه، منحصر به منطقه خاصی نیست و منظور، جوامع اقصی نقاط جهان است.

۲. تعریف علم داده

داده‌ها پس از جمع‌آوری، تحلیل می‌شوند. نتیجه تحلیل این داده‌ها و اطلاعاتی که در محیط اطرافمان است ما را به دانش مربوط به این حوزه می‌رساند. پس هدف اصلی علم داده رسیدن به این دانش است. می‌توان مثلی را فرض کرد که سه رأس آن عبارتند از علم آمار، علم رایانه، و حوزه بررسی. علم داده در مرکز و کانون این مثلث است و وجه اشتراک این سه رکن است. در واقع برای رسیدن به علم داده، باید این سه رکن را مد نظر قرار داد.



* فراهم آوردن دانش:

دانش می‌تواند در حوزه علم باشد، در حوزه تجارت باشد یا در حوزه صنعت باشد. کاربرد دانشی که از علم داده به دست می‌آید در استفاده از آن برای امکانات زندگی است و همچنین در سیاست‌گذاری‌های کلان که با استفاده از این دانش صورت می‌گیرد.

* علوم انسانی دیجیتال:

به نقل از بوردیک و دیگران (۲۰۱۲) علوم انسانی دیجیتال محصول مواجه شدن علوم انسانی سنتی و روش‌های رایانشی است. در حقیقت علوم انسانی دیجیتال مجموعه‌ای از مشترکات فناوری رایانشی و رشته‌های علوم انسانی است.

فضای دیجیتال امکان استفاده از روش‌های چندگانه برای افزایش دانش و روش توصیف آن را فراهم می‌آورد.

علوم انسانی رشته‌ای است که به ایده‌های ظریف، دقیق، و حتی پارادوکس اهمیت می‌دهد. ولی هنگامی که با رایانه کار می‌کنید، اطلاعات باید بسیار دقیق و واضح ساختارمند و منظم گردد.

نتیجه: علوم انسانی دیجیتال، انعکاس یافته‌های نظری و روش‌شناختی علوم انسانی در قالب دنیای دیجیتال امروز به صورت کاربردی یا تهیه ابزار برای به دست آوردن دانش جدید است.

از جمله میان‌رشته‌های مرتبط با علوم انسانی دیجیتال که ترکیبی از علوم انسانی و فناوری اطلاعاتند می‌توان نمونه‌های زیر را نام برد:

فلسفه رایانشی (استارک، ۱۹۹۰)

زبان‌شناسی رایانشی (جورافسکی و مارتین، ۲۰۰۰)

سیاست رایانشی (وینستون و فینلایسون، ۲۰۰۴)

قانون رایانشی (لاو و گنسر، ۲۰۰۵)

اقتصاد رایانشی (تسفاتیسون و جود، ۲۰۰۶)

روان‌شناسی رایانشی (سان، ۲۰۰۸)

علوم اجتماعی رایانشی (سیوفی‌رویلا، ۲۰۱۰)

کتابخانه دیجیتال (فاکس و مارچیوتینی، ۱۹۹۸)

* شکل‌گیری علم داده:

شکل‌گیری «علم داده» در ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ با مطرح شدن «کشف اطلاعات» و تحلیل محتوای معنایی (کاتو، ۲۰۱۷)

معرفی حوزه «تحلیل داده» توسط توکی (۱۹۶۲)

تعیین مفاهیم و اصول کاربرد آمار در تحلیل داده در همایش ۱۹۹۲ آمار

معرفی مفهوم جدید «علم داده» توسط چیکو هایشی در سال ۱۹۹۸ (مورتاگ و دولین، ۲۰۱۸) که عبارت‌اند از طراحی داده، جمع‌آوری داده، و تحلیل داده.

* علم داده و تداخل آن با علوم رایانه و آمار:

معرفی اصطلاح «علم داده» به جای «علم رایانه» توسط پیتر ناور در سال ۱۹۷۴ و عدم پذیرش آن در جامعه علمی

معرفی اصطلاح «علم آمار» توسط جف وو در سال ۱۹۹۷ و عدم پذیرش آن در جامعه آمار (وو، ۱۹۹۷)

معرفی مفهوم امروزی علم داده توسط کلوند (۲۰۰۱) با توجه به تحولات فناوریانه دیجیتال و نهادینه شدن اجتماعی آن در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰



* تمایز علم داده و تجزیه و تحلیل داده:

معرفی حوزه «تحلیل داده» توسط توکی (۱۹۶۲) اصول مفهوم نوین تجزیه و تحلیل داده (کانو، ۲۰۱۷) مانند توسعه «داده‌کاوی»، کشف دانش و یادگیری ماشین به همراه مفهوم اولیه تحلیل داده، و تجزیه و تحلیل توصیفی حاصل از آمار توصیفی نتیجه: یک علم میان‌رشته‌ای کمی و کیفی با هدف گرفتن نتیجه، به دست آوردن بینش جدید یا استخراج و اثبات یک فرضیه در مورد آن اطلاعات به‌منظور تصمیم‌گیری

تمایز علم داده و تجزیه و تحلیل داده (آشیم و دیگران، ۲۰۱۵؛ فیاد و هم‌تجو، ۲۰۲۰)

علم داده	تجزیه و تحلیل داده
میل بیشتر به سمت تحلیل پیشگویانه و فراهم آوردن تصویر کلی از آینده	میل کمتر به تحلیل پیشگویانه و تلاش برای توصیف وضعیت حال
استفاده بیشتر از روش‌های یادگیری ماشینی	استفاده کمتر از روش‌های یادگیری ماشینی
استفاده از داده‌های منفصل ساختاریافته یا ساختاریافته	استفاده از یک منبع داده ساختاریافته
استفاده از روش‌های پیکره‌محور بدون وجود فرضیه اولیه	استفاده از روش‌های پیکره‌بنیان مبنی بر وجود فرضیه
مطرح شدن کلان‌داده	اولویت در یافتن الگو در داده‌های ساختارمند و جستوجو در داده
نیاز به پیش‌پردازش داده	

۳. هشتگ

* تعریف هشتگ:

یک برجسب به‌عنوان فراداده‌ای است که در شبکه و رسانه‌های اجتماعی مانند توییتر و اینستاگرام و وبگاه‌های خبری به‌کار می‌رود. هشتگ حاوی ساختاری متشکل از علامت # و یک یا چند واژه برای بیان یک مفهوم است.

از نماد # در دهه ۱۹۷۰ میلادی در کدگذاری‌ها استفاده شده است؛ بنابراین هشتگ اختراع یا پدیده نوظهوری به‌واسطه وجود شبکه‌های اجتماعی نیست.

در سال ۲۰۰۷ کریس مسینا پیشنهاد استفاده از هشتگ برای گروه‌بندی را ارائه نمود (پروین و دیگران، ۲۰۱۵).

* ویژگی‌های هشتگ:

- بیان یک موضوع مشخص در یک زمان خاص
- قابلیت بیان مفاهیم و توجه به یک موضوع خاص در قالب هشتگ در شبکه‌های مجازی
- قدرت‌آفرینی هشتگ در ارتباطات
- ایجاد تحول از طریق رایاسپهر
- اتصال افراد با علاقه‌مندی‌های مشترک
- ایجاد پشتیبانی و بیان اتحاد در مورد یک موضوع خاص
- ابزاری برای بازیابی و تبلیغات برخط
- نتیجه: داغ شدن یک موضوع در فضای مجازی

* نقش هشتگ:

- اعلام و بیان نظرات در مورد یک موضوع
- به‌اشتراک‌گذاری تجربیات
- داغ‌سازی موضوعات
- کاربرد در موتورهای جستوجو
- افزایش ترغیب و رشد مشارکت افراد در راستای یک موضوع به‌واسطه کاربرد
- عوامل دخیل در هشتگ‌سازی:

استفاده از واژه یا عبارت کوتاه و پر معنا که به‌یادماندنی و اثرگذار هستند.

ایجاد انگیزش به‌دلایل مختلف اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و غیره با تکرار کاربرد هشتگ‌ها در نظرات و به‌اشتراک‌گذاری آن‌ها



به‌کار بستن خلاقیت در تولید هشتگ‌های مربوط به یک موضوع خاص فعال بودن و به‌روزرسانی حساب کاربری فرد عضو در شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی

* متغیرهای مربوط به هشتگ به‌نقل از پروین و دیگران (۲۰۱۵):

نوع متغیر	متغیر
متغیر مستقل	تعداد افراد غیرتکراری که از هشتگ استفاده می‌کنند
متغیر شبکه	رتبه متوسط صفحای که کاربر هشتگ را در بازشر به‌کار می‌برد. مرکزیت متوسط کاربری که هشتگ را در بازشر به‌کار می‌برد.
متغیر محتوا	ارزش‌گذاری بولی کاربرد حروف بزرگ لاتین در هشتگ ارزش‌گذاری بولی کاربرد اعداد در هشتگ ارزش‌گذاری بولی کاربرد نماد در هشتگ ارزش‌گذاری بولی کاربرد پیوند در هشتگ تعداد کلیدت در هشتگ طول هشتگ بر اساس تعداد حروف تعداد هشتگ‌های همراه یک هشتگ فاصله متوسط هشتگ‌ها یا محاسبه فاصله لوشناین
متغیرهای کنترل	بخش روز بر اساس تقسیم‌بندی ۲۴ ساعت به ۵ بخش روز هفته عمر هشتگ از زمان شروع به کار توئیتر پسامد هشتگ در هر دقیقه
متغیرهای خاص	پسامد بازشر یک نظر توسط کاربر در یک دقیقه ارزش‌گذاری بولی در تعیین رابطه متقابل بین دنبال‌کننده و دنبال‌شونده

برای محاسبه هم‌رخدادی واژه‌های نظرات و هشتگ‌ها و یافتن رابطه معنایی میان واژه‌ها و هشتگ‌ها می‌توان از ابزارهای آماری مانند اطلاعات متقاطع استفاده کرد. برای بررسی رابطه همبستگی میان هشتگ و محتوا نیز می‌توان از ضریب همبستگی پیرسون استفاده کرد.

آزفا: آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان



سوده سادات احمد کمونه
دانشجوی کارشناسی ارشد آزفا
رایمیل: soodekamune@gmail.com



آزفا

زبان فارسی یا پارسی یک زبان ایرانی غربی^۱ از زیرگروه ایرانی شاخهٔ هندوایرانی^۲ خانوادهٔ زبان‌های هندواروپایی کشورهای ایران، افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان، پاکستان، عراق، ترکمنستان و آذربایجان به آن سخن می‌گویند. فارسی یک زبان چندکانونی^۳ و زبان رسمی^۴ ایران، تاجیکستان و افغانستان به‌شمار می‌رود. این زبان در ایران و افغانستان به الفبای فارسی، که از خط عربی ریشه گرفته، و در تاجیکستان و ازبکستان به الفبای تاجیکی، که از سیریلیک^۵ آمده، نوشته می‌شود. زبان فارسی در کشورهای ایران و افغانستان به عنوان زبان رسمی و در کشورهای مانند ازبکستان، پاکستان و حوزه خلیج فارس به عنوان زبان دوم یا غیررسمی به کار می‌رود. گسترهٔ نفوذ این زبان قدیمی از هند و کشمیر تا ترکیه، و از کشورهای بالکان و چین تا شرق آفریقا گسترده شده است.

زبان فارسی نیز مانند دیگر زبان‌های زندهٔ دنیا در مراکز مختلفی در اقصی‌نقاط جهان آموزش داده می‌شود. ایران یکی از مراکز بزرگ در زمینهٔ آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان است که همه ساله خارجیان زیادی که علاقه‌مند به فراگیری زبان فارسی هستند به ایران می‌آیند و در مراکز دانشگاهی و آموزشگاه‌های مرتبط با این حوزهٔ زبان فارسی را می‌آموزند.

مرکز آزفا، صورت سرواژهٔ عبارت مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان است که تعداد محدودی از دانشگاه‌های ایران دارای این مرکز هستند. هدف در ابتدا، آموزش فارسی به غیرفارسی‌زبانان است، چون اگر قرار باشد فردی در دانشگاه‌های ایران ادامه تحصیل دهد، باید زبان ما را فرا گیرد. با توجه به آنکه زبان فارسی آینه فرهنگ و سبک زندگی مردم کشور است، آزفا تلاش می‌کند یک بازمینی ساده از فرهنگ و سبک زندگی ایرانیان برای آموزش آموخته باشد؛ بخصوص در سال‌های اخیر که موج ایران‌هراسی به واسطهٔ اخبار رسانه‌های خارجی اوج گرفته است.

بعضی فارسی‌آموزان مرکز قصد ادامه تحصیل در دانشگاه‌های ایران را ندارند و تنها به خاطر علاقه و آشنایی محدود با زبان ضمن مکاتبه و برقراری ارتباط ایمیلی تصمیم گرفتند با حضور در ایران، زبان فارسی را یاد بگیرند؛ بنابراین تمام افرادی که آموزش می‌بینند، الزاماً دانشجوی نیستند و برخی از افراد به فراخور پژوهش یا علاقه‌شان در این دوره‌ها شرکت می‌کنند. به‌طور خاص افرادی که در حوزه‌های ایران‌شناسی، شرق‌شناسی، بوم‌شناسی، گرایش‌های معماری یا ابعاد هنری ایران مثل صنعت فرش و بعضی گرایش‌های تاریخ مثل تاریخ عثمانی کار می‌کنند، با مراجعه به مراکز آزفا، زبان فارسی را یاد می‌گیرند.

۱. زبان‌های ایرانی غربی، شاخه‌ای از زبان‌های ایرانی هستند. پارسی باستان و مادی کهن‌ترین زبان‌های ایرانی غربی هستند.
۲. زبان‌های هندوایرانی یا زبان‌های آریاییک توسط مردمان هندوایرانی یا مردمان آریاییک صحبت می‌شود و گسترهٔ جغرافیایی بزرگی شامل فلات ایران، قسمت‌هایی از آسیای میانه، شمال شبه‌قاره هند و بخش‌هایی از قفقاز را در بر می‌گیرد.
۳. زبان چندکانونی یا چندمرکزی زبانی با چند گونهٔ معیار و اغلب رایج در چند کشور مختلف است. برای نمونه می‌توان انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی و فارسی را نام برد. در برابر این مفهوم زبان تک‌کانونی وجود دارد که فقط یک گونهٔ معیار شده رسمی دارد برای نمونه ژاپنی و روسی. در برخی موارد، گونه‌های معیار یک زبان چندکانونی به زبان خودمختار تبدیل می‌شوند که این روند در میان مالزیایی و اندونزیایی و همچنین هندی و اردو یا گونه‌های صربی کروات رخ داده‌است.
۴. زبان رسمی به زبانی گفته می‌شود که به‌طور قانونی در کشور یا منطقه‌ای از کشور انتخاب شده‌است، که از توانایی وضع قوانین خاص آن منطقه برخوردار است. معمولاً زبانی به‌عنوان زبان رسمی انتخاب می‌شود که اکثریت جمعیت به آن سخن گویند.
۵. خط سیریلیک یا آزیوکا یک خط الفبایی است که در سراسر اوراسیا به عنوان نوشتار ملی در کشورهای مختلف اسلاو، ترکی، مغولی و ایرانی زبان در جنوب شرق و شرق اروپا، قفقاز، آسیای میانه، شمال و شرق آسیا مورد استفاده است.

بسیاری از زبان‌شناسان معتقدند که زبان فارسی گفتاری و نوشتاری به لحاظ دستور زبان و واژگان، دو زبان مختلف هستند به همین دلیل از همان آغاز کلاس‌ها، زبان گفتاری و نوشتاری باهم آموزش داده می‌شوند.

علاوه بر دوگانگی نظام گفتاری و نوشتاری که بسیار مسئله‌ساز هستند، وجود لهجه‌ها و گویش‌های مختلف در شهرهای مختلف ایران فارسی‌آموزان را با مشکل مواجه می‌کند. چون آن‌ها فارسی استاندارد را در تهران فرامی‌گیرند و سپس با ورود به شهرهایی مثل مشهد یا تبریز و ... در فهم صحبت افراد مشکل پیدا می‌کنند. هرچند که در زبان‌های دیگر گویش‌ها و عامیانه صحبت کردن وجود دارد، اما تغییر آنچنانی را در دستور زبان آن‌ها ایجاد نمی‌کند.

در تهران جز دانشگاه الزهرا (س) در دانشگاه‌های علامه طباطبائی، شهید بهشتی، علوم پزشکی تهران و پیام نور، و در مراکز ماندند دهخدا، جامعه المصطفی، مرکز بین‌المللی دهخدا، و در شهرستان‌ها دانشگاه‌هایی همچون فردوسی مشهد، همدان، مازندران، اصفهان، اهواز دارای مرکز آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان هستند؛ البته یکی از قدیمی‌ترین مراکز آزفا در دانشگاه بین‌المللی قزوین فعال است.

در شماره‌های بعد درباره هر کدام از موسسات به تفصیل صحبت خواهیم کرد.

منابع

زبان نیاهندوایرانی - Gpedia, Your Encyclopedia

Learning to Read in the Late Ottoman Empire and the Early Turkish Republic, B. Fortna, page 50

Masashi, Haneda. "Emigration of Iranian Elites to India during the 16-18th centuries". Retrieved 2013-12-17.

Wikizero - زبان‌های ایرانی غربی

«آزفا چیست؟! صفر تا صد آموزش زبان فارسی به جوانان خارجی در دل دانشگاه‌های ایرانی»، (بی‌تا)، (nn.ir)

ایسنا، «تابلدی‌ها از کلمات فارسی استفاده می‌کنند»، ۲۶ دی ۱۳۹۲.

خبرگزاری کتاب، «زبان و ادبیات فارسی در هندوستان، پاکستان و چین به کجا رسید؟»، ۸ اردیبهشت ۱۳۹۸

شادآرام، علیرضا (۱۳۹۵). «بررسی سیر زبان و ادبیات فارسی در بالکان از گذشته تا کنون». نشریهٔ تاریخ ادبیات، شماره ۷۹.

عرب احمدی، امیربهرام (بی‌تا). «تحلیل جایگاه زبان فارسی در زبان و ادبیات سواحلی». پژوهش زبان و ادبیات فارسی.

مراکز آموزش زبان فارسی در ایران (dekhodaedu.com)



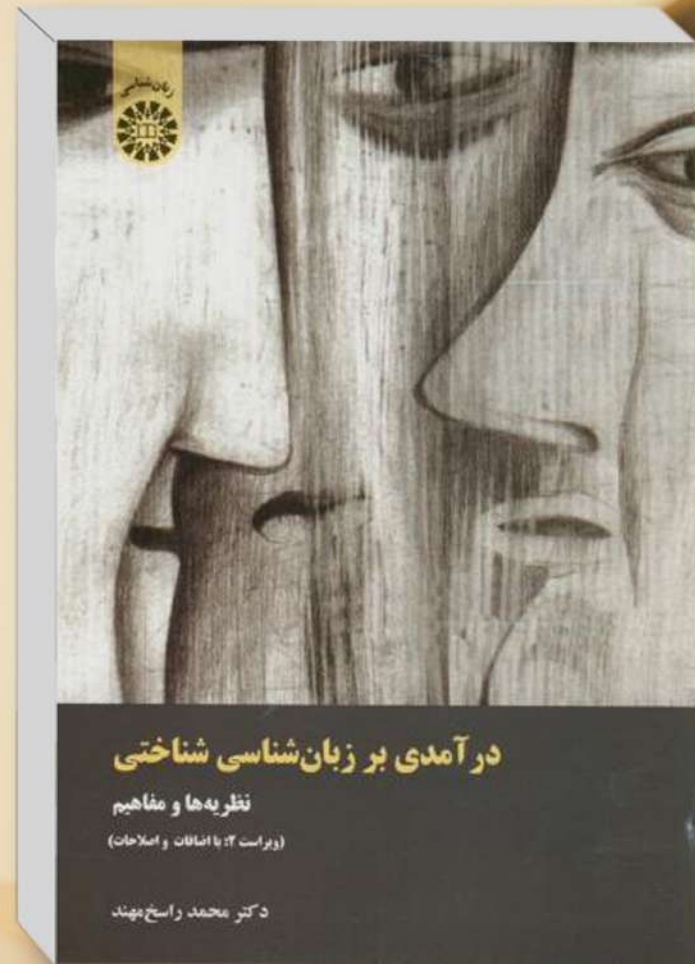
معرفی کتابی در حوزه

زبان‌شناسی شناختی
با عنوان «در آمدی بر
زبان‌شناسی شناختی
(نظریه‌ها و مفاهیم)»



اثر دکتر محمد راسخ مهند
نویسنده متن: دکتر فریبا حسینی تشنیزی
(دکترای تخصصی زبان‌شناسی همگانی)





درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی

نظریه‌ها و مفاهیم

(براساس ۲۰ بااصناف و اصطلاحات)

دکتر محمد راسخ‌مهند

زبان‌شناسی شناختی ریشه در مباحث زبانی و علوم شناختی نوظهور در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی، به ویژه در بررسی مقوله‌بندی در ذهن انسان و روان‌شناسی گشتالتی دارد (ایوانز و گرین ۲۰۰۶ ص ۳). این مکتب یکی از مهم‌ترین مکاتب زبان‌شناسی است که توانسته با شاخه‌های علمی متنوعی چون روان‌شناسی، عصب‌شناسی، هوش مصنوعی، فلسفه و نقد ادبی تعامل کند. به دلیل اهمیت این مکتب در زبان‌شناسی، در ادامه به معرفی اثری در این خصوص می‌پردازیم که بسی راهگشایی جهت مطالعه علاقمندان در این حوزه باشد.

کتاب درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی (نظریه‌ها و مفاهیم) اثری مقدماتی برای معرفی اصول و مفاهیم مطرح در زبان‌شناسی شناختی و تلاشی در راستای پر کردن خلأ وجود کتابی مناسب در این زمینه به زبان فارسی است. بخش عمده این کتاب بر مبنای کتاب ایوانز و گرین (۲۰۰۶) است. مطالعات در خصوص زبان‌شناسی شناختی از دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی شروع شد و از دهه‌ی ۱۹۸۰ به بعد روز به روز مطرح‌تر شد و اکنون به یکی از مکاتب زبان‌شناسی پرطرفدار در غرب به ویژه اروپا تبدیل شده است. بررسی زبان‌شناسی شناختی در یک کتاب جمع نمی‌شود و در این کتاب تنها به صورت فهرست‌وار به مفاهیم اصلی در این رویکرد پرداخته می‌شود. این اثر به ۳ بخش و ۹ فصل تقسیم شده است. در انتهای هر فصل از این کتاب یک خلاصه کوتاه و مختصر از فصل و بخشی با نام منابعی برای مطالعه ی بیشتر در نظر گرفته شده است.

در بخش اول این کتاب به اصول و مفاهیم بنیادی زبان‌شناسی شناختی پرداخته می‌شود. توضیحات کلی در خصوص بازتاب اندیشه در زبان، مقایسه زبان‌شناسی شناختی با سایر مکاتب‌های غالب و دو اصل بنیادی زبان‌شناسی شناختی از جمله اصل تعمیم و اصل شناختی نیز ارائه می‌گردد. همگانی‌ها و کاربرد زبان نیز دو عنوان از کلیات این کتاب هستند که به طور مختصر آورده می‌شوند.

بخش دوم این کتاب نگاهی شناختی به معنی دارد و جنبه‌های گوناگون معنی‌شناسی شناختی را معرفی می‌نماید. این بخش از کتاب شامل ۶ فصل است. در زبان‌شناسی شناختی مطالعه معنی از اهمیت خاصی برخوردار است و بیشترین مباحث در این مکتب حول مطالعه‌ی معنی انجام شده است. طرحواره‌های تصویری در یک فصل مجزا است (فصل دوم) که در بخش دوم به آن پرداخته می‌شود. آنها باز نمودی انتزاعی و حاصل تعاملات و مشاهدات روزمره‌ی ما و حاصل تجربه‌ی جسمی شده‌ی ما هستند و در ساختن نظام مفهومی نقش دارند. ویژگی‌های طرحواره‌های تصویری و نظام ساختاری مفهومی از جمله مواردی هستند که در این فصل به طور مختصر آورده می‌شوند. در فصل سوم از بخش دو، به بحث استعاره و مجاز پرداخته می‌شود. زبان‌شناسان شناختی استعاره و مجاز را از ابزارهای شکل دهنده‌ی ساخت شناختی انسان به شمار می‌آورند. این دو بحث (استعاره و مجاز) نقشی مهم در نحوه‌ی درک ما از واقعیت و شیوه‌ی مفهوم‌سازی دارند. موضوعات مهمی که در زیر عنوان استعاره مفهومی ذکر شده است، حوزه مبدا و حوزه مقصد، یک سویگی استعاره مفهومی، پنهان‌سازی و برجسته‌نمایی، استلزام استعاری و اصل همسانی است. در فصل چهارم با عنوان معنی دایره‌المعارفی به مباحثی از قبیل معنی قاموسی و معنی دایره‌المعارفی، ساختار دانش دایره‌المعارفی، معنی‌شناسی قالب و نظریه‌ی حوزه‌ها پرداخته می‌شود. مقوله‌بندی در معنی‌شناسی شناختی از اهمیت خاصی برخوردار است از این رو در بخش دو، یک فصل به آن اختصاص داده می‌شود. موضوعاتی که در بحث مقوله‌بندی مطرح می‌شوند و معرفی و دانستن آن مهم است نظریه‌ی سنتی، نظریه‌ی سرنمون و انگاره‌ی شناختی آرمانی می‌باشد. در نظریه‌ی سرنمون اصل اقتصاد شناختی، اصل ساختار تناسبی و نظام مقوله‌بندی آورده می‌شوند. بحث انگاره‌ی شناختی آرمانی نیز در این فصل به صورت مختصری ارائه داده می‌شود. لیکاف با ارائه‌ی انگاره‌ی شناختی آرمانی نکاتی مهم را درباره‌ی مقوله‌بندی و نحوه‌ی تعیین سرنمون‌ها مطرح کرد. فصل ششم از بخش دو این اثر، به مقولات شعاعی اختصاص داده می‌شود. واژه‌ها دارای مقولات شعاعی‌اند و این مقولات در ارتباط با معنی مرکزی دور هم آمده‌اند. مقوله شعاعی در واقع شامل طرحواره‌های انتزاعی است و معانی مختلف، با براساس روابط بین اجزاء این طرحواره‌ها، و یا از طریق بسط استعاری حاصل می‌شوند. موضوعات چند معنایی، انگاره‌ی مقوله‌ی شعاعی نیز در این فصل توضیح داده می‌شود. دو رویکرد مهم با نام‌های رویکرد تشخیص کامل و رویکرد چند معنایی نظام‌مند در فصل مقولات شعاعی، صفحاتی را به خود اختصاص می‌دهند. در فصل هفتم از بخش دو، فضاهای ذهنی آورده می‌شود که در زبان‌شناسی شناختی نظریه مهم و پراهمیتی است که توسط فوکونیه (۱۹۹۴، ۱۹۹۷) مطرح شده است. در نظریه فضاهای ذهنی درک معنی فقط به درک معنی جمله خلاصه نمی‌شود بلکه مهم ساختن معنی از طریق جمله است که از آن به مفهوم‌سازی یاد می‌شود. به طور کل معانی جمله‌ها را نمی‌توان جدا از بافت و کلام بررسی کرد که این نظریه در زبان‌شناسی شناختی حائز اهمیت است. زیر عنوان‌هایی که در این فصل مهم هستند و مختصری بحث در خصوص آنها صورت می‌پذیرد از قبیل ساختن معنی، اصل دسترسی و نظریه ی آمیزه‌ی مفهومی هستند. در نظریه آمیزه مفهومی بحث الگوی چهار فضایی عنوان می‌گردد. این نظریه توسط فوکونیه و ترنر (۱۹۹۴، ۲۰۰۲) ارائه شد.

بخش سوم کتاب نگاهی شناختی به دستور دارد. این بخش از کتاب شامل ۴ فصل است که هر کدام از فصول به موضوعی خاص می‌پردازند. الگوی نظام ساختاری مفهومی با دو زیر عنوان حوزه‌ی معنایی زمان و فضا و همچنین نظام‌های طرحواره‌ای در این فصل گنجانده شده اند. مبحث جابه‌جایی مفهومی موردی است که در حوزه‌ی معنایی زمان و فضا به آن پرداخته می‌شود. نظام‌های طرحواره‌ای نیز مباحثی مهم هستند که به صورت چهار نظام ترکیبی، توجهی، منطقی و پوشش نیرو مطرح می‌شوند.

در فصل نهم از بخش سه، دستور شناختی به صورتی جامع آورده می‌شود. بنیاد مفهومی طبقات واژگانی و طبقه بندی واژه‌ها در دستور شناختی در سه زیر شاخه از جمله اسم، واژه‌های زمان‌دار و واژه‌های بی‌زمان به صورت مختصر اشاره‌ای می‌شود. در دستور شناختی روابط بین نقطه‌ی متحرک و نقطه ثابت، ابعاد شش‌گانه تصویرسازی، تصویر سازی در دستور، معنای عناصر دستوری و ساخت اهمیت می‌یابند. از این رو در فصل نهم نیز به توضیحاتی در این خصوص پرداخته می‌شود. در فصل دهم نیز دستورهای ساختی ارائه می‌گردد. دستوریان شناختی «ساخت» را واحد نمادین پیچیده‌ای می‌دانند که در حافظه‌ی هر سخنگوی ذخیره می‌شود. بر اساس این دیدگاه، هر ساخت دارای برخی ویژگی‌های معنایی، کاربرد و نحوی مختص به خود است و این ویژگی‌ها را نمی‌توان حاصل قواعدی محدود و منظم دانست. هر ساخت دستوری به خودی خود معنی‌دار است، و این معنی لزوماً حاصل جمع واژه‌های درون آن نیست. در فصل دهم به این نوع نگاه به دستور پرداخته می‌شود. دقیقاً نگاهی است که در برابر دیدگاه صورت‌گرایی قرار می‌گیرد. برخی مواردی که در دستورهای ساختی اهمیت می‌یابند و به آنها پرداخته می‌شود از قبیل عبارات اصطلاحی، ساخت، دستور ساختی فیلمور و کی، دستور ساختی گلدبرگ و دستور ساختی رادیکال کرافت هستند. در آخرین فصل از این کتاب که آخرین فصل از بخش سوم است به دستوری‌شدگی پرداخته می‌شود. در فرایند دستوری‌شدگی، واژه‌های قاموسی به عناصر دستوری تبدیل می‌شوند و در عین حال عناصر دستوری‌ای که معمولاً قدیمی‌ترند به تدریج از بین می‌روند و با تغییر واژه، دوباره عناصر دستوری جدیدی خلق می‌شود. این تغییر، یک جریان تقریباً یک سو به است که مرتباً تکرار می‌گردد و از این رو مشخصه‌ی چرخه‌ای بودن را برای آن قائل شده‌اند. در سالهای اخیر، علاوه بر زبان‌شناسان تاریخی و رده‌شناسان، توجه زبان‌شناسان شناختی نیز به دستوری‌شدگی جلب شد. در انتها، با این که دیدگاه‌های مطرح در این اثر از جنبه‌های مختلف به بررسی موضوعات متفاوت زبانی پرداخته‌اند، اما وجه مشترک آنها معنی بنیاد بودن و شناخت‌گرا بودن است، که باعث شده همگی در زیر یک چتر قرار گیرند. محتوای این کتاب می‌تواند در اندازه‌ی یک کتاب مقدماتی در حوزه‌ی زبان‌شناسی شناختی برای علاقمندان به این حوزه مفید و کاربردی باشد.

منابع:

- راسخ مهند، محمد (۱۳۹۶) در آمدی بر زبان‌شناسی شناختی نظریه‌ها و مفاهیم، ویرایش دوم، تهران: سمت.
 Evans, Vyvyan and Melanie Green (2006) *Cognitive Linguistics: An Introduction*, Edinburgh University Press.
 Fauconnier, Gilles (1985/1994) *Mental Spaces*. Cambridge: Cambridge University Press.
 Fauconnier, Gilles (1997) *Mappings in Thought and Language*. Cambridge: Cambridge University Press.
 Fauconnier, Gilles and Mark Turner (1994) "Conceptual Projection and Middle Spaces" Technical Report, No. 9401. Department of Cognitive Science, University of California, San Diego (available online at: www.Cogsci.ucsd.edu/research/files/technical/9401.pdf).
 Fauconnier, Gilles and Mark Turner (2002) *The Way We Think: Conceptual Blending and the Mind's Hidden Complexities*. New York: Basic Books.

رویکرد

و بررسی

معنی‌شناسی
شناختیحروف اضافه
فارسی

نویسنده گزارش زهرا بادامداری

کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

ایمیل: zahra.badamdari@gmail.com

بررسی مشکلات زبان آموزان در زمینه یادگیری و به کارگیری درست حروف اضافه نشان می‌دهد، رویکرد سنتی نمی‌تواند کمک زیادی به یادگیری معنا دار حروف اضافه کند. در این پژوهش سعی شده با کمک دستاوردهای شناختی، رهیافت جدیدی جهت یادگیری حروف اضافه پربسامد فارسی برای فارسی آموزان ارائه شود. ابتدا معانی پیش‌نمونه‌ای و حاشیه‌های این حروف اضافه بر اساس معیارهای معنای پیش‌نمونه در رویکرد معنی‌شناسی شناختی و معانی موجود در فرهنگ سخن انوری بررسی شد. سپس جمله‌های حاوی این حروف اضافه در کتاب‌های آموزش زبان فارسی در سطح میانی انتخاب شد. در نهایت، ساختار معنایی این حروف اضافه بر اساس معنای مرکزی آن‌ها به فارسی آموزان ارائه شد. در این پژوهش آزمایشی، ۱۲۰ نفر از فارسی آموزان بزرگسال در مراکز آموزش زبان فارسی دانشگاه امام رضا (ع) و جامعه المصطفی در سطح میانی به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب و سپس به گروه‌های آزمایش و کنترل تقسیم شدند. تحلیل‌های آزمون تی- مستقل و تی-جفت نمونه‌ای در مقایسه میانگین نمره‌های پیش‌آزمون گروه‌های آزمایش و کنترل نشان داد، بین دانش پیشین فارسی آموزان، تفاوت معناداری وجود نداشت؛ حال آن که میانگین نمره‌های پس‌آزمون گروه‌ها مبین آن است که بین گروه‌های آزمایش و کنترل از نظر آماری تفاوت معناداری وجود داشت. برطبق نتایج، گروه‌های آزمایش که تحت آموزش به روش شناختی قرار گرفتند، در مقایسه با گروه‌های کنترل با روش سنتی، پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشتند. فرآیند این پژوهش، راهکارهای مؤثری در امر آموزش حروف اضافه برای مدرسان زبان پیشنهاد می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: معنی‌شناسی شناختی، طرح‌واره‌ی تصویری، نظریه‌ی حوزه‌ها، آموزش، حروف اضافه

۱. مقدمه

آموزش حروف اضافه، یکی از موضوع‌های چالش برانگیز برای مدرسان و زبان آموزان است. گرچه حروف اضافه فارسی فهرستی بسته و تعداد محدودی از عناصر زبانی را تشکیل می‌دهند، اما نقش بسیار اساسی

در زبان دارند و از نظر کاربردی پربسامد هستند. اکثر فارسی آموزان در تشخیص و کاربرد حروف اضافه دچار مشکل می‌شوند. در روش سنتی، به حافظه سپردن، تکرار و پس دادن مطالب درسی از بارزترین ویژگی‌ها به‌شمار می‌روند، اما اکثر زبان آموزان سطوح میانی و پایین‌تر، در کاربرد مناسب حروف اضافه با مشکل مواجه هستند. در رویکرد شناختی، بعضی محققان در حیطه معنی‌شناسی شناختی به پژوهش‌های متعددی پرداخته‌اند. در این رویکرد، الگوهای زبانی مقوله‌بنندی و مفهوم‌سازی می‌شوند و در زمان و مکان مناسب در اختیار سخنوران قرار می‌گیرند. بدین ترتیب، سخنوران در هر تجربه جدید امکان استفاده از تجربیات قبلی و مفهوم‌سازی‌های مختلف در ساختار ذهن خود را دارند. محققانی مانند لانگاکر، با ارائه نظریه حوزه‌ها، نگاشت مفاهیم ذهنی را با توجه به طرح‌واره‌های تصویری در سه حوزه مکانی، زمانی و انتزاعی ترسیم می‌کنند. در نظریه حوزه‌ها، ابتدا مفهوم‌سازی مفاهیم مکانی و عینی زبان که حاصل تجربیات مستقیم انسان با محیط است، در ساختار ذهنی شکل می‌گیرند و سپس از روی آن‌ها نگاشت مفاهیم به حوزه زمانی و انتزاعی امکان پذیر است. در این پژوهش سعی شده، با توجه به الگوهای معیار پیش‌نمونه‌ای توسط تایلر و ایوانز (۲۰۰۱)، ابتدا مفاهیم، عبارت‌ها و اصطلاحات مختلف حروف اضافه پربسامد فارسی در فرهنگ سخن انوری (۱۳۸۱) بررسی شود و سپس در صدد است، به بررسی این حروف اضافه بر طبق طرح‌واره‌های تصویری لیکاف و جانسون (۱۹۸۷) و نظریه حوزه‌های لانگاکر (۱۹۸۷) از

نظر نگاشت مفاهیم متمایز این حروف اضافه در حوزه‌های مکانی، زمانی و انتزاعی بپردازد. با توجه به مطالب فوق، پژوهش حاضر در صدد است پاسخی برای سؤال‌های زیر بیابد:

- (۱) برطبق ملاک‌های تعیین معنای پیش‌نمونه‌های تایلر و ایوانز^۲ (۲۰۰۱)، آیا مفاهیم پیش‌نمونه‌های حروف اضافه فارسی در فرهنگ سخن با مفاهیم متمایز، عبارت‌ها و اصطلاحات ذکر شده در آن ارتباط دارند؟
- (۲) برطبق طرح‌واره‌های تصویری لیکاف و جانسون^۳ (۱۹۸۷) و نظریه حوزه‌های لانگاکر (۱۹۸۷)، نگاشت مفهومی و ساختارهای معنایی این حروف اضافه چگونه است؟

۲. پیشینه پژوهش

پیرامون حروف اضافه و نقش آن‌ها در جمله‌ها تحقیقات توصیفی و تجربی متعددی صورت پذیرفته است. در این بخش، به پیشینه پژوهش‌ها از منظر شناختی در ایران و کشورهای دیگر می‌پردازیم.

۱.۲. پیشینه پژوهش‌ها در ایران

در ایران، پیرامون بررسی حروف اضافه تحقیقات متعددی صورت گرفته است، اما تا آنجا که نگارندگان اطلاع دارند، اکثر تحقیقات انجام شده از منظر توصیفی و نظری و معناشناختی به این موضوع پرداخته‌اند. برخی محققان در راستای ترسیم شبکه‌ی معنایی حروف اضافه، پژوهش‌های ارزشمندی انجام داده‌اند. بامشادی (۱۳۹۴) در پژوهشی، حروف اضافه مکانی «*aera, wael, ta*» از گویش‌های کردی گورانی را از منظر شناختی بررسی کرده است. در این پژوهش، یکی از تازه‌ترین الگوهای مطرح شده معنایی حروف اضافه، الگوی سامان‌مند، براساس نظریه تایلر و ایوانز (۲۰۰۵، ۲۰۰۶) مطرح شده است که معیارهای کاربردی و روشنی را برای شناسایی معنای اولیه و مجزای حروف اضافه و ترسیم شبکه معنایی آن‌ها ارائه می‌دهد. زاهدی و زیارتی (۱۳۹۰) نیز در مقاله‌ای، مفاهیم اولیه و متفاوت حرف اضافه «از» و شبکه معنایی و ساختار شعاعی آن را در چارچوب معنی‌شناسی شناختی با توجه به ملاک‌های تایلر و ایوانز (۲۰۰۳ و ۲۰۰۴) بررسی کرده‌اند. گلفام و یوسفی‌راد (۱۳۸۵) حرف اضافه «در» را از

منظر معنی‌شناسی شناختی است. رضویان و خان‌زاده (۱۳۹۳) در پژوهشی چندمعنایی حرف اضافه «به» در زبان فارسی را با رویکرد معنی‌شناسی شناختی بررسی کرده‌اند. برای این منظور از رویکرد چندمعنایی سامان‌مند تایلر و ایوانز (۲۰۰۳) در چارچوب معنی‌شناسی شناختی برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که این حرف اضافه دارای معنایی مختلفی است که همه از یک معنی واحد یعنی «الصاق و ارتباط» مشتق شده و شبکه‌ای به هم پیوسته را تشکیل می‌دهند و تمام مفاهیم متمایز به طور نظام‌مند و با توجه به معیارهای، تایلر و ایوانز (۲۰۰۳) از مفاهیم پیش‌نمونه‌ای و مفهومی اولیه مشتق می‌شوند. مختاری و رضایی (۱۳۹۲) نیز در پژوهشی دیگر به بررسی شناختی شبکه معنایی حرف اضافه «با» در زبان فارسی پرداخته‌اند. اهداف اصلی این مطالعه، نشان دادن تصادفی نبودن معنای گوناگون حرف اضافه «با» و ارائه شبکه معنایی این حرف اضافه است. نتایج حاصل از این تحقیق مؤید آن است که حرف اضافه «با» دارای شبکه معنایی منسجمی است که در آن، مفاهیم گوناگون این حرف اضافه در قالب سه خوشه معنایی مختلف، شامل خوشه توافقی، تقابلی، و وضعیتی، حول محور یک معنای سرنمونی، که همان معنای مجاورت و همراهی است، در قالب ساختاری شعاعی قرار گرفته‌اند.

۲.۲. پیشینه پژوهش‌ها در کشورهای دیگر

در کشورهای دیگر نیز در این حوزه تحقیقات توصیفی و تجربی مختلف صورت پذیرفته است. تایلر، مولر و هو (۲۰۱۱) به بررسی تأثیر رویکرد معنی‌شناسی شناختی برای آموزش



حروف اضافه «to, at, for» پرداخته‌اند. همچنین، سانگ^۱ (۲۰۱۳) در رساله دکتری خود به آموزش سه حرف اضافه «in, on, at» و مقایسه روش شناختی نسبت به روش سنتی پرداخته است. در این پژوهش‌ها نیز زبان‌آموزان گروه آزمایش، پس از آموزش به روش معنی‌شناسی شناختی پیشرفت بهتر و مؤثرتری نسبت به گروه کنترل داشتند.

۳. چارچوب نظری

دبیر مقدم (۱۳۸۳: ۶۶) به این نکته اشاره می‌کند که در زبان‌شناسی شناختی، همچون زبان‌شناسی صورت‌گرا و نقش‌گرا با یک نظریه واحد مواجه نیستیم؛ بلکه با تنوعی از رویکردهایی که در بنیان، وجوه اشتراک دارند، روبرو هستیم. چارچوب نظری پژوهش حاضر با توجه به معیارهای تعیین معنای پیش‌نمونه‌های تایلر و ایوانز (۲۰۰۱)، طرح‌واره‌های تصویری لیکاف و جانسون (۱۹۸۷) و نظریه حوزه‌های لانگاکر (۱۹۸۷) انتخاب شده است. در اینجا به توضیح مفاهیم مرتبط با این پژوهش می‌پردازیم.

۱.۳. مفاهیم استعاری، نگاشت مفاهیم و مفهوم‌سازی، طرح‌واره‌های تصویری

منظور از مفاهیم استعاری، همان مفاهیم ذهنی و انتزاعی است که از روی مفاهیم عینی و ملموس ساختار دهی و درک می‌شوند (لیکاف ۱۹۸۷: ۹۷) در مورد حروف اضافه هم همین‌گونه است، به‌عنوان مثال، در جمله «او از تب عشق می‌سوزد»، یک انتقال یا «نگاشت» از مفهوم فیزیکی و عینی به مفهوم انتزاعی رخ داده است، زیرا در جهان خارج جمله‌هایی مانند «کودک از تب می‌سوزد» وجود دارد و تجربه شده است. بسیاری از مفاهیم انتزاعی براساس مفاهیم مکانی یا فیزیکی «مفهوم‌سازی» می‌شوند. همه ما در زندگی روزمره بر اساس فعالیت‌ها و تجربه‌های شخصی، ساخت‌های مفهومی بنیادین را در ذهن خود پدید می‌آوریم که برای اندیشیدن پیرامون موضوع‌های انتزاعی‌تر به کار می‌رود. جانسون (۱۹۸۷: ۲) به ارائه طرح‌واره‌های تصویری و نقش آن‌ها در نموده‌های زبان پرداخته است. طرح‌واره‌های تصویری، ساخت‌های انتزاعی هستند که درک معانی استعاری را میسر می‌سازند و امکان ارتباط بین تجربیات ما را نسبت به جهان خارج در حوزه‌های پیچیده‌تری مانند زبان فراهم می‌آورند. این بازنمایی دانش در سامانه‌ی مفهومی انسان، آرایش و ساختار خود را از مجرای جسمی‌سازی کسب می‌نماید. از نظر زبان‌شناسان شناختی از جمله لیکاف (۱۹۸۷) درک جمله‌های انتزاعی، بر اساس فرافکنی استعاری از روی مفاهیم عینی صورت می‌پذیرد. لیکاف و جانسون (۱۹۸۷) بر این باورند که روش درک تجارب و اطلاعات یا «مستقیم» از طریق تعامل با محیط بیرون از ذهن است که همان مفهوم مکانی است، یا «غیرمستقیم» و از طریق تداعی‌های قراردادی یا نگاشت‌های موجود بین قلمروهای ملموس و انتزاعی است که این حالت را «استعاری» می‌گویند. در حروف اضافه هم، بسیاری از مفاهیم انتزاعی بر اساس مفاهیم مکانی یا فیزیکی «مفهوم‌سازی» می‌شوند.









۲.۳. مفهوم پیش‌نمونه‌ای، شبکه معنایی

حروف اضافه دارای یک معنای اصلی و کانونی هستند که به آن «مفهوم پیش‌نمونه‌ای» گویند و دیگر معانی حروف اضافه، نوعی شباهت یا ارتباط مستقیم یا غیر مستقیم با مفهوم پیش‌نمونه‌ای دارند. معانی حروف اضافه همگی نظام‌مند و مرتبط با یکدیگر هستند. به معنای مختلف یک حرف اضافه «شبکه معنایی» آن حرف‌اضافه گویند. تایلر و ایوانز (۲۰۰۱) در تعیین معنای پیش‌نمونه‌ای، مواردی مانند اولین معنای تاییدشده، غلبه و چیرگی یک معنا در شبکه معنایی، استفاده در ساخت‌های ترکیبی و رابطه با دیگر حروف اضافه مکانی را در نظر می‌گیرند. با توجه به معیارهای تایلر و ایوانز و پژوهش‌های نظری انجام‌شده در رابطه با شبکه معنایی حروف اضافه فارسی که در بخش پیشینه پژوهش ذکر شد، معنای پیش‌نمونه‌ای برای حروف اضافه «از، به، در» مفهوم اولیه و مکانی آن‌ها و برای حرف‌اضافه «با» مفهوم دوم آن به خاطر بسامد وقوع و کاربرد بیشتر در نظر گرفته شده است.

۳.۳. منظر اعلی، شیء متحرک و زمینه ثابت

برای تعیین «منظر اعلی»^۲ دو عنصر ترکیب‌بندی و جنبه کاربردی مؤثر است. در رمزگذاری حروف اضافه فرض بر این است که در رابطه فضایی-مفهومی بین دو ماهیت، یک مفهوم، مرکزی (برجسته) و دیگر مفاهیم، حاشیه‌ای (زمینه) هستند.

لانگاکر (۱۹۸۷) مقوله برجسته را «شیء متحرک»^۳ و حاشیه یا زمینه را «زمینه ثابت»^۴ می‌نامد. طرح‌واره مفهومی انتزاعی که از معنای مکانی هر حرف‌اضافه استنباط می‌شود، به‌عنوان منظر اعلی در نظر گرفته می‌شود که اغلب با معنای اولیه یا مرکزی هر حرف‌اضافه برابر است. در واقع، مفهومی که از معنای مکانی و اولیه (یا پیش‌نمونه‌ای) هر حرف‌اضافه به‌دست می‌آید و به‌صورت انتزاعی و طرح‌واره‌ای در ذهن ایجاد می‌شود را «منظر اعلی» می‌نامند. منظر اعلی ممکن است معنای اولیه یک حرف‌اضافه و یا معنای غیراولیه آن به خاطر بسامد وقوع یا کاربرد بیشتر باشد. به‌عنوان مثال، منظر اعلی برای حرف‌اضافه «از» مبدأ و منشأ، حرف‌اضافه «به» اتصال به هدف و مقصد، حرف‌اضافه «در» درون، داخل و حرف‌اضافه «با» مجاورت و همراهی است. در شکل (۱) طرح‌واره‌های تصویری، مفاهیم پیش‌نمونه‌ای و وضعیت شیء متحرک نسبت به زمینه ثابت در حروف اضافه «از، به، در، با» نشان داده می‌شود.

		حسین به درخت نگاه دارد است.
		پول در توی کیف است.
		آن‌ها با هم گروهیون نامشروع می‌کنند.
		مادرش آموزان از مدرسه برگشتند.

شکل ۱: طرح‌واره‌های تصویری، مفاهیم پیش‌نمونه‌ای و وضعیت شیء متحرک نسبت به زمینه ثابت در حروف اضافه «از، به، در، با»

برطبق نظریه حوزه‌های لانگاکر، ابتدا مفهوم‌سازی مفاهیم مکانی زبان در ساختار ذهنی شکل می‌گیرند که از تجربیات مستقیم انسان با محیط به دست آمده‌اند، سپس از روی این مفاهیم عینی و مکانی، نگاشت مفاهیم به حوزه زمانی و انتزاعی امکان‌پذیر می‌شود (۱۹۸۷).

الف. دیروز با پدرم به بازار رفتم.
ب. امید در زندگی انسان را به موفقیت می‌رساند.
در این جمله‌ها، مفهوم انتزاعی و طرح‌واره تصویری در جمله «ب»؛ یعنی «به‌سوی موفقیت، رسیدن و اتصال به آن» در واقعیت از روی مفهوم عینی مانند جمله «الف» مفهوم‌سازی شده و درک می‌شود. بنابراین از روی تجربیات عینی و طرح‌واره‌های تصویری موجود در ذهن، نگاشت از حوزه مکانی و عینی به حوزه انتزاعی صورت پذیرفته است.

۴. روش شناسی پژوهش

۴.۱. نمونه پژوهش و روش اجرا:

این پژوهش توصیفی-آماری است و بر روی ۱۲۰ فارسی‌آموز بزرگسال (۴۵-۲۲ سال) در دانشگاه امام رضا (ع) و جامعه‌المصطفی مشهد در سال تحصیلی ۹۹-۹۸ انجام شده است. این فارسی‌آموزان با ملیت عرب‌زبان در سطح میانی قرار داشتند که به‌صورت تصادفی خوشه‌ای انتخاب و سپس به دو گروه مساوی آزمایش و کنترل تقسیم شدند. قبل از اجرای آزمون، به منظور آشنایی فارسی‌آموزان، ابتدا توضیحات لازم در ارتباط با آزمون‌ها ارائه و از آنان خواسته شد تا در همه مراحل آزمون‌ها شرکت کنند و با دقت به سوال‌ها پاسخ دهند. گروه‌های کنترل به شیوه سنتی و گروه‌های آزمایش به روش شناختی آموزش دیدند. در نهایت، داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۱. Trajectory
۲. Landmark

۱. song
۲. Semantic network
۳. Protoscen
۴. Protoscen

در این پژوهش، مفاهیم حروف اضافه پرسامد «از، به، در، با» برای غیرفارسی‌زبانان ارائه شده است. برای پاسخ به پرسش‌های این پژوهش، ابتدا با توجه به ملاک‌های پیشنهادی تایلر و ایوانز (۲۰۰۱) مفاهیم مختلف این حروف اضافه برطبق فرهنگ سخن انوری (۱۳۸۱) توصیف شد و سپس بر طبق رویکرد معنی‌شناسی شناختی، طرح‌واره‌های تصویری لیکاف و جانسون (۱۹۸۷) و نظریه حوزه‌های لانگاکر (۱۹۸۷)، برخی از مفاهیم پرکاربرد آن‌ها انتخاب و به فارسی‌آموزان ارائه شدند. جهت دستیابی به هدف پژوهش، روش آزمایشی با طرح پیش‌آزمون^۱ و پس‌آزمون^۲ بین گروه‌های آزمایش و کنترل اتخاذ گردید. با استفاده از پیش‌آزمون، اطلاعاتی از میزان تفاوت میانگین سطح یادگیری فارسی‌آموزان و دانش قبلی آن‌ها در تشخیص و کاربرد این حروف اضافه گردآوری شد. این آزمون، دانش زبانی آن‌ها را در سطوح درک، تشخیص و تولید حروف اضافه مورد سنجش قرار داد. تعداد سؤال‌های پیش‌آزمون (۶۸) و در مجموع (۳۰) نمره برای آن‌ها در نظر گرفته شد و جهت جلوگیری از حدس و گمان زبان‌آموزان، از حروف اضافه مختلف سؤال طرح شد. شایان ذکر است، پس‌آزمون نیز از لحاظ تعداد سؤال‌ها، مجموع نمره، محتوا و سطح دشواری، مشابه سؤال‌های پیش‌آزمون بود. به عبارت دیگر، از روش بازآزمایی^۳ استفاده گردید. اجرای آموزش در گروه‌های آزمایش و کنترل به صورت چندمرحله‌ای در ۸ جلسه ۴۵ دقیقه‌ای انجام شد. داده‌ها نیز با آزمون تی-مستقل^۴ و تی-جفت نمونه‌ای^۵ توسط نرم‌افزار spss تحلیل و بررسی شد. با توجه به این که سؤال‌های آزمون از کتاب آموزش زبان فارسی «پارسا» تألیف جامعه‌المصطفی است، برای حصول اطمینان از روایی و پایایی آن‌ها، این سؤال‌ها به تأیید کارشناسان مربوطه و چندین مدرس با تجربه در این رشته رسید. روایی آزمون‌ها و مطالب نیز از نظر آماری تأیید شد:

$$90, NFI = .90, CFI = .92, GFI = .96, RMSEA = .123, df = 503, 86 = 2(X)$$

پایایی آزمون‌ها از طریق فرمول آلفا کرونباخ اندازه‌گیری شد و ۰.۷۹ بود. همچنین برای بررسی پایایی آزمون از روش بازآزمایی استفاده شد. بدین ترتیب، در جلسه اول و آخر به ترتیب به پیش‌آزمون و پس‌آزمون اختصاص داده شد و در جلسه‌های بعدی، در گروه‌های آزمایش، مفاهیم مکانی، زمانی و انتزاعی هر حرف اضافه آموزش داده شد. در گروه سنتی، ارائه مفاهیم با روش کل به جزء^۶ و دیداری-شنیداری^۷ ارائه شد. در پایان هر جلسه، فعالیت‌های کلاسی و تمرین‌های متناسب با مباحث آموزشی به فارسی‌آموزان داده شد که این تمرین‌ها شامل چهارگزینه‌ای و پر کردن جاهای خالی بود. اگرچه گروه‌های کنترل و آزمایش، تحت آموزش متفاوت قرار داشتند؛ اما تمرین‌ها، تعداد و بازه زمانی میان جلسه‌های آموزشی، پیش‌آزمون و پس‌آزمون برای گروه‌ها یکسان در نظر گرفته شد. لازم به ذکر است که بازه زمانی میان پیش‌آزمون و پس‌آزمون دوهفته است. در پایان، نتایج به‌دست آمده از جلسه‌های آزمون و آموزش با آزمون تی-مستقل و نرم‌افزار spss تحلیل و بررسی شد.

۵. ارائه مفاهیم مختلف حروف اضافه

در فرهنگ سخن انوری (۱۳۸۱) معانی مختلفی برای حروف اضافه در نظر گرفته شده است که در این پژوهش ارائه می‌شود. لازم به ذکر است، برخی مفاهیم مستقیم و برخی دیگر غیر مستقیم و یا به نوعی مرتبط با مفهوم اولیه و یا پیش‌نمونه‌ای هستند. بعضی مفاهیم نیز امروزه کاربردی نیستند و صرفاً جهت آشنایی در اینجا ارائه می‌شوند. در فرهنگ سخن انوری (۱۳۸۱)، ۲۵ معنا برای حرف اضافه «از» در نظر گرفته شده است:

۱.۵. ارائه مفاهیم مختلف حرف اضافه «از»

ابتدا مطابق شکل با تصویری از منظر اعلی بر رابطه فیزیکی - فضایی بین شیء متحرک و زمینه ثابت تأکید و تصویرهای مرتبط با معنای مرکزی حروف اضافه مذکور نشان داده می‌شود. بدین ترتیب، ذهن فارسی‌آموزان برای یادگیری مفاهیم گوناگون حروف اضافه آماده می‌شود.

از: 'az'

۱. نشان‌دهنده ابتدای مکان یا زمان یا امری: مفهوم پیش‌نمونه‌ای: از صبح تا شب؛ از تهران تا کرج؛ از یک تا ده؛ از چند سال پیش؛ همه روزه از ده تا پانزده ساعت سرگرم کار بود (جمال‌زاده)؛ در همه جمله‌ها مفهوم مبدا، منشا و شروع چیزی یا کاری.

قبل از شروع آموزش، توضیحاتی در مورد اهمیت و کاربرد حروف اضافه به فارسی‌آموزان داده می‌شود. برای توضیح بهتر مطالب آموزشی، از تکنیک فعال کردن ذهن فارسی‌آموزان با استفاده از تجربیات عینی و ادراکی آنان استفاده می‌شود. به‌عنوان مثال از آنان سؤال می‌شود، «شما از کدام کشور آمده‌اید». در این بخش مدرس توضیح می‌دهد که کشور شما مبدأ مکانی است که از آنجا به‌سوی ایران آمده‌اید و مقصد شما ایران است. در اینجا، به منظور آماده‌سازی ذهن فراگیران شکل (۲) به آن‌ها ارائه شد.



شکل ۲: مفهوم پیش‌نمونه‌ای، مکانی و طرح‌واره‌ای تصویری حروف اضافه «از» و «به»

سپس با توجه به تصویر بالا، مدرس جمله را بر طبق رویکرد معنی‌شناسی شناختی این‌گونه توضیح می‌دهد: در جمله «علی از مدرسه به خانه رفت» یعنی مبدأ و آغاز حرکت کردن (رفتن) علی از مدرسه به سوی خانه است (از آن دور می‌شود) و مقصد و هدفی که او می‌خواهد به آن برسد، خانه است. فعل «رفتن» نیز مفهوم حرکت کردن به‌سوی هدف و مقصد و اتصال به آن را می‌دهد. بدین ترتیب مفهوم اولیه، مکانی، پیش‌نمونه‌ای و طرح‌واره‌ای تصویری آغاز، مبدأ، منشا و اصل برای حرف اضافه «از» و مفهوم اولیه، مکانی، پیش‌نمونه‌ای و طرح‌واره‌ای تصویری حرکت به‌سوی مقصد، هدف و در نهایت «اتصال» به آن برای حرف اضافه «به» در ذهن فارسی‌آموزان فعال می‌شود. بعد از فعال کردن ساختار شناختی ذهن فارسی‌آموزان از روی مفاهیم و تجربیات عینی و ادراکی آنان می‌توان نگاهی به مفاهیم دیگر به‌ویژه حوزه زمانی و انتزاعی را آغاز کرد.

۲. برای بیان منشا: (مفهوم پیش‌نمونه‌ای): ناراحتی‌شان از من است: منشا ناراحتی آن‌ها من هستم و همین منشا، علت ناراحتی آن‌ها است. در اینجا منشا در معنای «علت» که یکی دیگر از مفاهیم حرف اضافه «از» نیز هست، به کار رفته است؛ همه چیز از خداست؛ آب استخر از چاه است: در این جمله‌ها نیز حرف اضافه «از» مفهوم مبدا و منشا دارد. بنابراین، مفهوم اول و دوم حرف اضافه «از» با هم هم‌پوشانی دارند.

۳. به‌وجود آمده؛ به‌وسیله؛ اثر: این شعر از فردوسی است: منشا پیدایش شعر فردوسی است.

۴. نسبت به؛ در مقایسه با (پس از صفت‌های تفضیلی و بعضی صفت‌های دیگر): تهران از تبریز بزرگتر است. در اینجا تهران و تبریز بایکدیگر مقایسه شده‌اند. به شکل (۳) نگاه کنید:



شکل ۳: مفهوم قیاس در حرف اضافه «از»

در این نوع قیاس، دایره تهران از نظر اندازه از پدیده اصلی که با آن مقایسه می‌شود، بزرگتر است. این مفهوم با معنای ۱۰، ۱۲ و ۱۳ حرف اضافه «از» در فرهنگ سخن، یعنی برای بیان بخش یا مقداری از چیزی (جزء از کل) و شامل نیز هم‌پوشی دارد و دایره تهران بزرگتر از دایره تبریز است، یعنی دایره بزرگتر می‌تواند شامل دایره کوچک‌تر شود، زیرا قسمت‌های وسیع‌تری نسبت به آن دارد و یا برعکس دایره کوچک‌تر می‌تواند جزئی از دایره بزرگتر شود.

به عبارت دیگر، اگر جمله را به‌صورت دیگر نیز عنوان کنیم، وضیت به همین شکل است: تبریز از تهران کوچک‌تر است؛ یعنی اجزای کلی دایره تبریز از اجزای کلی دایره تهران کوچک‌تر است، پس می‌توان در مفهوم جزء از کل و شامل (دایره بزرگتر یعنی تهران می‌تواند شامل دایره کوچک‌تر یعنی تبریز شود) نیز در نظر گرفت.



لازم به ذکر است، صرفاً حرف‌افزافه «از» می‌تواند این مفهوم را بیان کند.

۵. برای بیان انتساب به جایی: ده کشتی‌گیر از ایران در مسابقات شرکت کردند: ده کشتی‌گیر متعلق به کشور ایران هستند و اصلیت آن‌ها و مبدأ مکانی که او آنجا آمده‌اند، ایران است.
۶. به دلیل: به علت: به سبب: با دیدن دوستش از شادی اشک ریخت: مبدأ، منشأ و علت شادی او دیدن دوستش است. بیماری او از آلودگی هواست: منشأ و علت بیماری آلودگی هواست.
۷. درباره: در خصوص: راجع به: از خودت بگو: در اینجا مفهوم پیرامون؛ درباره یک نکته و پدیده مرکزی و اصل است. مفهوم مرکزیت و اصل قبلاً در مورد حرف‌افزافه «از» بیان شده است و در اینجا به صورت غیرمستقیم مفهوم «پیرامون یک اصل» را نیز در بر دارد.
۸. نشان‌دهنده نوع و جنس: از جنس: سقف خانه از آهن است: جنس و نوع در واقع متعلق به آهن است و مبدأ و جنس در اینجا همان آهن است.
۹. برای تشخیص و تمایز: دوست از دشمن نمی‌شناسد: در اینجا همان مفهوم مقایسه یک پدیده با پدیده دیگر است یعنی مقایسه یک پدیده (دوست) از پدیده دیگر (دشمن).
۱۰. برای بیان یک یا چند چیز از یک گروه یا مجموعه: جزء؛ در شمار: از دیربان نمونه بود: مفهوم جزء یا قسمتی از یک کل یا مبدأ، او جزئی از دیربان نمونه بود.
۱۱. از سوی: از طرف: از من هم به ایشان بگویید: از سوی / از طرف من به ایشان بگویید: مبدأ سخن و آغازکننده آن من هستم؛ آفتاب از مشرق طلوع می‌کند: منشأ طلوع آفتاب مشرق است.
۱۲. برای بیان بخش یا مقداری از چیزی: قسمتی از کار را انجام داده‌ام: جزء از کل کار.
۱۳. برای تفصیل و شرح مطلبی که به اجمال گفته شده است: شامل: همه آمده بودند از معلمان، اولیای بچه‌ها و ... همه، کل یا مبدأ را نظر گرفته شده و اجزای کل، معلمان ... هستند.
۱۴. متعلق به: از آن: این کتاب از شماست: معنای تعلق و مبدأ یکی در نظر گرفته شده است.
۱۵. پس از بعضی فعل‌ها، به سخن دیگر، متمم بعضی فعل‌ها با «از» به کار می‌رود: ترسیدن از: من از تاریکی نمی‌ترسم؛ دور شدن از یک پرسیدن از: از کی برسم؟؛ مبدأ سؤال کیست؟
- آزاد شدن از: از زندان آزاد شد: آزاد شدن و دور شدن از اصل پدیده‌ای. همان‌طور که مشاهده می‌شود، تنها حرف‌افزافه «از» مفهوم دور شدن از اصل پدیده‌ای را می‌دهد.
- لذت‌بردن از: از مصاحبت شما لذت بردم: مبدأ لذت بردن من، مصاحبت با شما است.
- بیرون (بیرون) آمدن از: چوخورشیدان جانم فیرگون بدرید و از برده آمد برون... (فردوسی): بیرون آمدن از جایی و دور شدن از آنجا.
- آندیشیدن از: گوی نام‌دار است و شاهی دلیرا تیندیشد از جنگ یک دشت شیر (فردوسی): آندیشیدن پیرامون چیزی، در مفهوم درباره اصل پدیده‌ای.
۱۶. در: ببلان ... به نالش در آمده بودند از درخت، و کینکان از کوه، و غوکان در آب، و بهابم از بیشه (سعدی): مبدأ و منشأ صدای ببلان درخت و مبدأ و منشأ صدای کینکان کوه است.
۱۷. مترادف کسره اضافه: بیشتر از ایشان نه خرد دانند (ترجمه تفسیرطبری): «ایشان» کل، اصل و مبدأ «بیشتر» در نظر گرفته شده است و بیشتر، جزء از کل است.
۱۸. از روی: به حکم: چون از خرد نگری ... (عنصرالمعالی): «از روی» مفهوم «از جهت» و «از سوی» نیز تبیین می‌شود که از مفاهیم حرف‌افزافه «از» نیز هست.
۱۹. از جهت: از لحاظ: ارشمار دو چشم یک تن کم ... مانند مثال (۱۸) مفهوم «از سوی» دارد.
۲۰. مترادف «را»ی مفعولی و برای متعدی کردن: با بوریحان، از این حال باری ندانسته بودی (نظامی عروضی): در مفهوم درباره اصل پدیده‌ای است.
۲۱. به: پس عوانان آمدند او طفل را / در تنور افکند از امر خدا (مولوی): یعنی به امر خدا: مبدأ و منشأ حکم یعنی به تنور انداختن طفل، خدا بوده است.
۲۲. به کمک: به وسیله: با: کنگره ویران کنید از منجیق (مولوی): مبدأ و منشأ ویرانی کنگره، منجیق است. این معنا امروزه کاربردی ندارد و به جای آن از حرف‌افزافه «با» استفاده می‌شود.
۲۳. در حال: گل به گل و شاخ به شاخ از شتاب می‌شدم ایونکه شود نشأ آب (نظامی): در مفهوم حرمت انتزاعی از گل به سوی گلی دیگر و از شاخ‌های به سوی شاخ‌های دیگر است. این مفهوم در متون قدیمی کاربرد داشته است.
۲۴. به جای: در عوض: بدو گفت شایور کای نیکبخت / من این خانه بگزیدم از تاج و تخت (فردوسی): این مفهوم نیز در متون قدیمی کاربرد داشته است و این‌گونه تبیین می‌شود که به جای پدیده‌ای اصلی قبلی اصل دیگری را برگزیدم.
۲۵. در مقابل: در برابر: که افراسیاب از بلا پشت توست ... (فردوسی): افراسیاب جهت دور کردن بلا پشت و حاصی تو است: حرف‌افزافه «از» مفهوم دور کردن یا دور شدن پدیده‌ای را از مبدأ نشان می‌دهد. این مفهوم نیز در متون معاصر کاربرد ندارد.
- مقابله گذشته: (مجاز) ویژگی هر چیزی خوردنی که از جایی دور، سوغات آورده باشند: سوغات از آب گذشته مدینه‌السلام را برایشان آورده‌ایم (الاحمد): فعل گذشته و دور شدن از مبدأ (آب).
- آزاد گرفته: (مجاز) به آسانی و بی‌زحمت به دست آمده: این‌ها از آب گرفته است، هر چه قدر می‌خواهید بردارید. فعل گرفتن با حرف‌افزافه «از» می‌آید و مفهوم گرفتن از مبدأ را بیان می‌کند.
- از آدم به دور: معنی دور شدن از مبدأ و اصل پدیده‌ای.
- از آن جهت: از آن سو: مفهوم مبدأ و جهت آغاز چیزی است. همچنین علت، نوعی مبدأ است.
- از آنچه: زیرا: به این سبب که: به آن علت که: با قاضی شیراز هم بود از آنچه باری چند امیر محمود گفته بود که قاضی شیراز وزارت را شاید (بیهقی). علت نوعی مبدأ تلقی می‌شود.
- از آن روز از این رو: علت نوعی مبدأ تلقی می‌شود.
۲۵. ارائه مفاهیم مختلف حرف‌افزافه «به»

در فرهنگ سخن انوری (۱۳۸۱) ۲۹ معنا برای حرف‌افزافه «به» در نظر گرفته شده است:



شکل ۴: مفهوم پیش‌نمونه‌ای، مکانی و طرح‌واره تصویری حرف اضافه «به»

۱. برای بیان الصاق و اتصال به کار می‌رود: به خانه رسیدم: رسیدن به خانه مفهوم اتصال را می‌رساند؛ چنگ به قرآن چون زبیم؟ (احمدجام)، چنگ‌زدن به قرن مفهوم اتصال به آن دارد.
- در شکل (۱) مفهوم پیش‌نمونه‌ای حرف‌افزافه «به» نیز توضیح داده شد. به منظور آماده‌سازی بیشتر ذهن فراگیران شکل (۴) ارائه می‌شود.

۲. برای مخاطب قراردادن کسی یا ایجاد ارتباط با کسی یا چیزی به کار می‌رود: به تو می‌گویم برگرد: هدف سخن من «تو» هستی (اتصال).
۳. به سوی: به طرف: این کوره راه به ده می‌رود: این کوره راه به سوی ده می‌رود. مفهوم رفتن به سوی هدف یعنی ده و در نهایت اتصال را نشان می‌دهد.
۴. به قدر: به بهای: این قصه به یک بار خواندن هم نمی‌ارزد: این قصه به اندازه یک بار خواندن هم نمی‌ارزد؛ یعنی هدف که همان یک بار خواندن است، این ارزش را ندارد. به دلیل ارتباط حرف‌افزافه «به» با کلمه‌های پس از خود که در واقع هدف و مقصد است، این حرف‌افزافه معنی هدف و مقصد را در بر دارد.
۵. نشانه سوگند است: قسم به: سوگند به: به خدا من نمی‌دانم: به خدا سوگند می‌خورم که من نمی‌دانم: به عبارت دیگر با اتصال و سوگند به خدا تکیه می‌کنم.
۶. نسبت به: ارادت من به او روبه‌روز بیشتر می‌شود: ارادت من به سوی او روبه‌روز بیشتر می‌شود: ارادت من به سوی او می‌رود و در نهایت به او می‌رسد.
۷. بر روی: بر: بالاخره به صدلی ریاست نشست: مفهوم اتصال. در اینجا حرف‌افزافه «روی» نیز معنی «اتصال» بر روی چیزی» را در بر دارد: به همین دلیل حرف‌افزافه «به» به جای آن به کار می‌رود.
۸. برای: به خاطر: ما به تماشا ایستاده بودیم: نگاه کردن و تماشا کردن به سوی چیزی (هدف).
۹. برای استعانت به کار می‌رود: به نام خدا سال تحصیلی را آغاز می‌کنیم: با اتصال به نام خدا سال تحصیلی را آغاز می‌کنیم. لازم به ذکر است، کاربرد حرف‌افزافه «با» در اینجا نیز درست است و بدان معنا است که با همراهی و کمک نام خدا سال تحصیلی را آغاز می‌کنیم.
۱۰. برای بیان تدریج و توالی و تعاقب، بین دو کلمه مکرر به کار می‌رود: ذره‌به‌ذره: حرکت از یک‌باره به سوی ذره‌ای دیگر، منزل به منزل: از منزلی به سوی منزلی دیگر.
۱۱. مطابق: موافق: روزگار به کامتان باشد: روزگار به سوی تمایلات شما بگذرد.
۱۲. برای بیان تقابل میان دو چیز به کار می‌رود: در مقابل: تیم ما در مقابل آن‌ها ده به یازده بازی می‌کرد: در بیان نسبت رابطه و حرکت انتزاعی از یک پدیده به سوی یک پدیده دیگر است. در واقع رابطه و حرکت انتزاعی از ده به سوی یازده (هدف) است.
۱۳. متمم بعضی فعل‌ها در معنای خاص با «به» می‌آید، مانند پرداختن به چیزی: من فقط به شرح یکی از این پیش‌آمدها می‌پردازم (هدایت): مفهوم پرداختن به سوی چیزی.
۱۴. بعضی صفت‌ها با حرف‌افزافه «به» متمم می‌گیرند: موكول به فردا: قرار دادن کاری یا چیزی به سمت / سوی فردا (هدف): نزدیک به: حرکت به سوی چیزی (هدف).
۱۵. پیش از اسم مصدر یا حاصل مصدر می‌آید و قید می‌سازد: به سرعت: مفهوم حالت قید در چیزی نهادینه شده است و نهادینه شدن نوعی اتصال است: به گرمی (اتصال)، به ویژه (اتصال).
۱۶. پیش از اسم یا اسم مصدر می‌آید و صفت می‌سازد:
- به تیر: نیرو متصل به فرد است و نوعی دارندگی را می‌رساند: دارندگی نوعی اتصال است.
۱۷. در میان دو اسم می‌آید و معمولاً صفت می‌سازد: پایه‌ماه: حرکت انتزاعی به سوی زایمان.

- سربه‌زیر: این اصطلاح حرکت انتزاعی سر به‌سوی پایین است که حاکی از متانت است.
۱۸. برای بیان ظرفیت در مکان به‌کار می‌رود؛ در: زبان‌بریده به کنجی نشسته صم بکم ... (سعدی): نشستن مفهوم اتصال دارد. در فارسی قدیم حرف‌افزافه «به» به‌جای حرف‌افزافه «در» به‌کار می‌رفته است.
 ۱۹. برای بیان ظرفیت در زمان به‌کار می‌رود؛ هنگام؛ در وقت: دهقان به سحرگاهان کز خانه بیاید (منوچهری): این مفهوم نیز مانند مفهوم بالا است، در زمانی که متصل به سحرگاهان بود ... این مفهوم امروزه کاربردی ندارد و به‌جای آن حرف‌افزافه «در» به‌کار می‌رود.
 ۲۰. به‌وسیله: با: حدیث از مطرب و می گو و راز دهر کمتر جو/که کس نگشود و نگشاید به حکمت این معما را (حافظ): ... کسی متصل به حکمت نمی‌شود تا این معما را حل کند.
 ۲۱. دارای: با: اگر خواهی به آبروی باشی، آرم را پیشه کن. (عنصرالمعالی): اگر می‌خواهی آبرومند باشی ... یا اگر می‌خواهی دارای آبرو باشی دارندگی/ دارای آبرو نوعی ویژگی است که متصل به افراد است که اینجا هم‌معنای حرف‌افزافه «با» به معنای دارندگی و همراهی است.
 ۲۲. به‌عنوان: به‌رسم: به‌نشانه: کسی را که دانی که خصم تو اوست/ نه از عقل باشد گرفتن به دوست (سعدی): کسی که می‌دانی دشمن توست، عاقلانه نیست که به دوستی (هدف و اتصال به دوستی) انتخاب کنی.
 ۲۳. از حیث: از نظر: که دگرگون شدند و دیگرسان/ به نهاد و به خوی و گونه و رنگ (فرخی): فعل دگرگون شدن مفهوم تغییر حالتی از پدیده‌ای به‌سوی پدیده‌ای دیگر را نشان می‌دهد.
 ۲۴. در حال: به تاختن از پس او بشدند (تاریخ سیستان): باحالت «تاختن»، ویژگی «دارندگی» متصل به فرد است که در اینجا معنای حرف‌افزافه «با» به معنای دارندگی و همراهی است.
 ۲۵. به‌اندازه: به‌مقدار: نزدیک حظیره سنگی است به بالای مردی (ناصر خسرو): در این نوع قیاس پدیده‌ای نسبت به پدیده‌ای دیگر اندازه‌گیری می‌شود؛ در واقع سنگ نسبت به هدف و مقصدی مانند مردی بلندبالا مقایسه می‌شود.
 ۲۶. نزد: پیش: من برای این به تو نیامده‌ام (جامی): من برای این کار به‌سوی تو نیامده‌ام.
 ۲۷. تبدیل به: ... خارو خشک را به سمن چون کند؟ (نظامی): تغییر از پدیده‌ای به‌سوی پدیده‌ای.
 ۲۸. از: راه‌ها به برف آگنده بود (راوندی): امروزه حرف‌افزافه «از» به جای آن به کار می‌رود، اما فعل «آگنده بودن» معنای «دارای، دارندگی» کامل (پُر بودن) را می‌رساند و نوعی ویژگی است که متصل به فرد است که در اینجا هم‌معنای حرف‌افزافه «با» به معنای دارندگی و همراهی است.
 ۲۹. برای متعدی کردن فعل و نسبت‌دادن متمم به فعل، به‌جای «را» می‌آید: به هریک از حیوانات که رسیدی از روی تحسر «به» او دیدی و به‌سوی او اشارت کردی (شوشتری). فعل «دیدن»، نگاه کردن به سوی کسی یا چیزی را در ذهن تداعی می‌کند؛ به همین دلیل حرف‌افزافه «به» به‌جای «را» به‌کار رفته است.

۳. ارائه مفاهیم مختلف حرف‌افزافه «در»

در فرهنگ سخن انوری (۲۰۰۲)، ۲۶ معنا برای حرف‌افزافه «در» در نظر گرفته شده است:



- در: 'dar'
۱. برای بیان ظرفیت و درون چیزی یا جایی بودن به‌کار می‌رود؛ داخل؛ درون/ توی: آب در لیوان بود: آب درون توی لیوان بود.
 - در اینجا، به‌منظور آماده‌سازی ذهن فراگیران شکل (۵) به آن‌ها ارائه می‌شود.

	آب ... لیوان بود.	
---	-------------------	---

شکل ۵: مفهوم پیش‌نمونه‌ای و طرح‌واره تصویری حرف اضافه «در»

- سپس با توجه به تصویر، مدرس جمله را این‌گونه توضیح می‌دهد: در جمله «آب در لیوان بود»، یعنی آب درون (توی) لیوان بود که لیوان مانند یک ظرف، آب (مظروف) را درون خود جای داده است. بنابراین، حرف اضافه «در» معنای «درون» می‌دهد. بدین ترتیب مفهوم اولیه، مکانی، پیش‌نمونه‌ای و طرح‌واره تصویری «درون، داخل، میان، توی» برای حرف‌افزافه «در» در ذهن فارسی‌آموزان فعال می‌شود.
۲. برای بیان ظرفیت و محدوده مکانی چیزی به‌کار می‌رود: در شهر خبری نیست: درون/ توی شهر خبری نیست.
 ۳. برای بیان محدوده زمانی چیزی به‌کار می‌رود: در سال هزار و سیصد و پنجاه متولد شدم: درون/ توی سال هزار و سیصد و پنجاه.
 ۴. برای بیان محدوده یا حوزه مجازی چیزی به‌کار می‌رود: هنوز در غفلت فرو رفته‌ایم: درون/ توی غفلت.
 ۵. مریوط و راجع به چیزی یا درباره آن: باید در شاعری راه‌های تازه‌ای جست (خانلری). درون/ توی مسیر شاعری راه‌های تازه‌ای باید جست.
 ۶. برای بیان علت و سبب به‌کار می‌رود: فضل تعلیم و تربیت جدید در این است که ... (اقبال): فضل تعلیم و تربیت جدید توی این است که
 ۷. برای بیان اندازه ابعاد چیزی به‌کار می‌رود: عکس سه در چهار: مفهوم توی، ابعاد مانند حجم در نظر گرفته شده‌اند و مساحت مربوط به ابعاد توی حجم مورد نظر است.
 ۸. برای ضرب کردن دو عدد: دو در دو می‌شود چهار: مانند مثال بالا مفهوم حجم دارد.
 ۹. برای بیان مقدار چیزی نسبت به کل آن به‌کار می‌رود: سه در هزار: سه توی هزار تا.
 ۱۰. برای بیان تناوب معین به‌کار می‌رود: یک در میان: مفهوم توی محدوده
 ۱۱. برای بیان کثرت و اتصال در میان دو کلمه مکرر: پدر در پدر: نگاشت مفهوم تودرتو، کنایه از لایه در لایه بودن چیزی یا تودرتو بودن چیزی.
 ۱۲. برای بیان وجه یا عامل تمایز چیزی به‌کار می‌رود: از جهت: در لطف و اصالت فوق العاده بود (قاضی): توی مقوله لطف و اصالت
 ۱۳. برای بیان حالت و چگونگی چیزی به‌کار می‌رود: در حال احداث: مفهوم انتزاعی توی حالت احداث چیزی قرار گرفتن.
 ۱۴. برای بیان انگیزه، هدف و غایت امری به‌کار می‌رود: برای: اخوی در تسکین من گفت: امشب سزاشان رادستان می‌دم (مخبرالسلطنه): اخوی توی مسأله/ توی مسیر و جهت تسکین دادن من گفت:
 ۱۵. به‌محض: به‌مجرد: در رسیدن به تهران مخارجم تمام شد و همانجا ماندنی شدم (جمال‌زاده): توی مسیر تهران
 ۱۶. برای بیان الصاق و اتصال در چیزی به‌کار می‌رود: به: طایفه اوباش محلت در او پیوستند (سعدی): مفهوم انتزاعی «پیوستن» درون/ توی چیزی است؛ ولی امروزه حرف‌افزافه «به» با فعل «پیوستن» به‌کار می‌رود و معنی مناسب‌تر و نزدیک‌تر «اتصال» را می‌دهد.
 ۱۷. برای بیان الصاق و پیوستگی مجازی به‌کار می‌رود: من آن‌گه گفتم او آید فرا دست/ که اقبال ملک در بنده پیوست (نظامی): توضیحات مانند مثال قبل است.
 ۱۸. به‌خاطر: در راه: در مهر تو تن به خاک می‌داد ... (نظامی): توی راه/ مسیر مهر تو
 ۱۹. برای بیان مقایسه و نسبت به‌کار می‌رود: این بیابان در بیابان‌های او/ همچو اندر بحر پُر یک تار مو (مولوی): این بیابان در میان بیابان‌های او
 ۲۰. بر روی: ای برادر کوه در جگر ... (ناصر خسرو): مفهوم درون/ توی.
 ۲۱. به‌سوی: به‌جانب: روی در روی دوست کن بگذر ... (سعدی): مفهوم درون/ توی.
 ۲۲. برای بیان اندازه و مقدار به‌کار می‌رود: صبر چون پروانه باید کردنت بر داغ عشق/ ای که صحبت با یکی داری نه در مقدار خویش (سعدی): مانند مثال ۷ و ۹ بیان مقدار چیزی است که همان مفهوم اینجا نیز نگاشت می‌شود؛ ای کسی که صحبت عشق داری نه به اندازه حد و حدود خودت. لازم به ذکر است، مفهوم حد و حدود و محدوده نیز با حرف‌افزافه «در» می‌آید.



۲۳. برای متعدی کردن فعل و نسبت دادن متمم به فعل به کار می‌رود؛ را: از جنایت کشیدن پدرش/ دیده کس ندید در هنرش (نظامی): مفهوم توی زمینه/ حیطة هنرش.
۲۴. مطابق؛ موافق: قاضی شرایط آن را به تمامی به جای آورد، در مقتضای شریعت (بیهقی): مفهوم توی محدوده.
۲۵. با: قرآن زیرخوانی در چارده روایت (حافظ): مفهوم توی محدوده.
۲۶. به: ساعتی انگشت در دندان گرفت (محمدبن منور): مفهوم توی دندان. در مفهوم اتصال نیز به جای حرف اضافه «به» به کار می‌رود.
- ۴.۵. ارائه مفاهیم مختلف حرف اضافه «با»
در فرهنگ سخن انوری (۱۳۸۱)، ۱۶ معنا برای حرف اضافه «با» در نظر گرفته شده است:

با: (ba)

۱. دارای: دارنده: اجاقی با گرمای زیاد، زنی با موی سپید: مفهوم دارندگی نوعی همراهی را نشان می‌دهد، اجاقی دارای (همراه با) گرمای زیاد. با توجه به این مفهوم، ویژگی «دارندگی» نوعی همراهی را می‌رساند که در واقع «دارندگی» با «همراهی» نهادینه شده است.
۲. همراه: به همراهی: با پدرم به گردش رفتم: همراه پدرم به گردش (مقصد) رفتم. به منظور آماده‌سازی ذهن فراگیران شکل (۶) به آن‌ها ارائه می‌شود.



مفهوم پیش‌نمونه‌ای و طرح‌واره حرف اضافه «با»

۳. به وسیله: توسط: نامه را با خودکار نوشتم: نامه را با کمک، همراهی و همکاری خودکار نوشتم. در این جمله، نگاشت معنای «مجاورت، همراهی و همکاری» در ذهن رخ می‌دهد.
۴. درباره: در مورد: با تکالیف درسی چه کار می‌کنید: نوعی همراهی با تکالیف درسی که به صورت انتزاعی با آن سر و کار دارید.
۵. در عوض: در مقابل: با این پول‌ها چیزی به ما نمی‌فروشند: با کمک و همراهی این پول‌ها (برای تبادل) به ما چیزی نمی‌فروشند. در اینجا «این پول‌ها» نقش نوعی کمک‌کننده و همراه برای خریدن چیزی دارند و پول‌ها قرار است در انجام و تبادل برای انجام کاری با ما همراه باشند. از سوی دیگر، رابطه این مفهوم با مفهوم اولیه این گونه است که وقتی می‌خواهیم دو چیز را با هم معاوضه کنیم، آن‌ها به صورت انتزاعی در ذهن کنار هم قرار می‌گیرند و ارزش شان نسبت به هم قیاس می‌شود. در اینجا صحبت از دو شیء است نه اشیاء دیگر. برخی مفاهیم غیرمستقیم با مفهوم پیش‌نمونه‌ای ارتباط دارند و ارتباط این مفهوم با مفهوم پیش‌نمونه‌ای این گونه است.
۶. در مقابل: در برابر: با این مشکلات، چه کار کنیم؟ حرف اضافه «با» چه وقتی دو پدیده در کنار و همراه هم هستند و چه در مقابل هم مفهوم همراه بودن آن‌ها را حتی به صورت انتزاعی و در ذهن نشان می‌دهد. با این مشکلات که همراه من هستند، چه کار کنم؟
۷. با وجود: با بودن: با آن همه کوشش، کاری از پیش نبرد: با کمک و همراهی آن همه تلاش، کاری نکرد.
۸. برای بیان ارتباط میان دو شخص یا دو مفهوم: من با او حرف می‌زنم: همراهی دو نفر در حرف زدن.
۹. از: دارو با این مواد درست شده: دارو با کمک (و همراهی) این مواد درست شده.
۱۰. علیه: بر ضد: تا می‌توانست با دشمن جنگید: همراهی دو نفر در مقابل هم در انجام کاری.

۱۱. برعهده: مسئولیت این کار با شماست: وقتی مسئولیتی را به عهده کسی می‌اندازید، یعنی آن را با او همراه می‌کنید. تو نگران نباش، آن با من: مفهوم همراهی.
۱۲. در جایی که امروزه معمولاً «به» گفته می‌شود، به کار می‌رفته: او را چگونه با راه تواند آورد (اقبال‌شاه): او را چگونه در مسیر و راهی که می‌خواهید همراه خود خواهید کرد؟ لازم به ذکر است، امروزه از حرف اضافه «به» به جای آن استفاده می‌شود.
۱۳. در جایی که امروزه معمولاً «در» گفته می‌شود، به کار می‌رفته: در نمی‌گیرد نیاز و ناز ما با حسن دوست ... (حافظ): نیاز و ناز ما با حسن دوست همراه نمی‌شود.
۱۴. متعلق به: مخصوص به: آن سیه‌چرده که شیرینی عالم با اوست/ چشم می‌گون، لب خندان، دل خرم با اوست (حافظ): آن سیه‌چرده که شیرینی تمام عالم همراه اوست، همیشه همراه او چشم می‌گون، لب خندان و دل خرم است. مفهوم تعلق و دارندگی نوعی همراهی را نیز می‌رساند.
۱۵. به اندازه: برابر: به تسدی چنان است بالای او/ که با آسمان است پهنای او (دقیقی): در قیاس نیز مانند تقابل نوعی همراهی انتزاعی دو پدیده است که باهم سنجیده می‌شوند.
۱۶. نشانه متمم است و بعضی از فعل‌ها فقط یا معمولاً با این حرف اضافه متمم می‌گیرند: با وزیر مصاحبه کرد: همراهی‌کننده صحبت او، وزیر بود.
- می‌خواستیم سر صحبت را با رفقا بازکنم: همراهی من با رفقا در صحبت کردن.
- با آن‌که: با آنکه: با وجود آن‌که: هر چند: اگر چه: با آن‌که خیلی باهوش بود، ولی در امتحانات ورودی قبول نشد: با وجود و همراهی صفت باهوش بودن، در امتحانات ورودی قبول نشد.
- با احتیاط: محتاط: دارای احتیاط است و ویژگی احتیاط همراه اوست.
- بادب: آن‌که آداب و رسوم را رعایت می‌کند: دارای ادب: مؤدب: بچه بادب: دانش‌آموز بادب: دارای ادب، فردی که دارنده ادب است و ویژگی ادب همراه اوست.
- بالراده: دارای عزم و اراده استوار: دارای اراده، ویژگی اراده همراه اوست.
- بالصل و نصب: دارای خانواده خوشنام و شریف: دارای اصل و نصب و این ویژگی همراه اوست.
۶. تفسیر داده‌ها و نتایج

با برگزاری دوره‌های آموزشی زبان فارسی و با بررسی پیش‌آزمون‌ها و پس‌آزمون‌ها در گروه‌های آزمایش و کنترل در دو مرکز آموزشی امام رضا (ع) و جامعه المصطفی، نمره‌های فارسی‌آموزان بررسی شد. نمودار (۱) عملکرد آزمودنی‌ها را در دو گروه کنترل و آزمایش در دو مرکز و در دو مرحله پیش آزمون و پس‌آزمون نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، میانگین هر دو مرکز در پیش‌آزمون‌ها در یک سطح و کمتر از ۱۵ است. بر طبق داده‌ها، پس‌آزمون‌های کنترل در هر دو مرکز مانند پیش‌آزمون‌های کنترل و آزمایش است، اما در پس‌آزمون‌های آزمایش دو مرکز، میانگین نمره‌های مورد بررسی، افزایش قابل ملاحظه‌ای دارد و بیشتر از ۲۵ است.



نمودار ۱: میانگین پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه‌های کنترل و آزمایش



۱.۶. مرحله اول: بررسی میانگین مرکز آموزشی امام رضا و جامعه المصطفی در پیش آزمون کنترل: بر طبق جدول (۱)، چون مقادیر ارزش f معادل ۱/۱۵ و سطح معناداری آزمون لون معادل ۰/۲۹ و از ۰/۰۵ بیشتر است، با فرض برابری واریانس‌ها به بررسی سطوح معناداری می‌پردازیم. از آنجا که مقدار آمار تی-مستقل معادل ۰/۶۳- و سطح معناداری در آزمون تی-مستقل بیشتر از ۰/۰۵ و برابر ۰/۵۳ است، بنابراین فرض صفر را رد نمی‌کنیم و آن را می‌پذیریم؛ یعنی بین دو مرکز در مرحله پیش آزمون کنترل، تفاوت معناداری وجود ندارد، به طوری که این دو گروه آموزشی در پیش آزمون کنترل با هم یکسان هستند.

جدول ۱: آزمون مقایسه تی-مستقل در مراکز امام رضا (ع) و جامعه المصطفی در پیش آزمون کنترل

گروه	میانگین	انحراف معیار	آزمون لون		درجه آزادی	معناداری
			ارزش f	ارزش t		
پیش‌آزمون	۱۲۵۲	۲۵۱۶	۱۵۱۰	۰/۵۲۹	۰۳	۰/۰۵۳
کنترل	۱۲۵۱۲	۲۵۸۲				

۲.۶. مرحله دوم: بررسی میانگین مراکز آموزشی امام رضا و جامعه المصطفی در پیش آزمون آزمایش: همان‌طور که از نتایج جدول (۲) ملاحظه می‌گردد، چون مقادیر ارزش f معادل ۱/۶۵ و سطح معناداری آزمون لون معادل ۰/۲۱ و از ۰/۰۵ بیشتر است، با فرض برابری واریانس‌ها به بررسی سطوح معناداری می‌پردازیم. از آنجا که مقدار آمار تی-مستقل معادل ۱/۶۰ و سطح معناداری در آزمون تی-مستقل بیشتر از ۰/۰۵ و برابر ۰/۱۱ است، بنابراین فرض صفر را رد نمی‌کنیم و آن را می‌پذیریم؛ یعنی بین دو مرکز امام رضا و جامعه المصطفی در مرحله پیش آزمون آزمایش تفاوت معناداری وجود ندارد و دو گروه آموزشی در پیش آزمون آزمایش یکسان هستند.

جدول ۲: آزمون مقایسه تی-مستقل در پیش آزمون آزمایش

گروه	میانگین	انحراف معیار	آزمون لون		درجه آزادی	معناداری
			ارزش f	ارزش t		
پیش‌آزمون	۱۲۵۰۲	۲۵۲۸	۱۵۱۰	۰/۵۲۱	۰۳	۰/۰۱۱
آزمایش	۱۲۵۱۲	۲۵۷۱				

۳.۶. بررسی پیش آزمون و پس آزمون دو گروه آزمایش و کنترل با آزمون تی-جفت نمونه‌ای:

در ادامه، برای بررسی بیشتر پیش آزمون و پس آزمون دو گروه آزمایش و کنترل آزمودنی‌ها با توجه به نرمال بودن داده‌ها از آزمون تی-جفت نمونه‌ای استفاده شده است. مطابق جدول (۳) میانگین پیش آزمون کنترل نزدیک به پس آزمون کنترل است و انحراف معیار پس آزمون و پیش آزمون نیز نشان دهنده نزدیک بودن نمره‌ها به هم است. لذا، میزان معناداری، نشان دهنده عدم معناداری آزمون است. بنابراین، آموزش به روش سنتی اثر معناداری بر روی گروه‌های کنترل مورد بررسی نداشته است.

جدول ۳: آزمون مقایسه تی-جفت نمونه‌ای در پیش آزمون و پس آزمون گروه‌های کنترل

گروه	میانگین	انحراف معیار	Paired Differences				sig
			میزان اختلاف در سطح اطمینان ۹۰٪		آماره T	درجه آزادی	
			حد پایین	حد بالا			
پیش‌آزمون کنترل	۱۲۵۰	۲۵۰۰	-۰/۰۴	۰/۰۶۸	-	۰/۰۹	
پس‌آزمون کنترل	۱۲۵۰۴	۲۵۰۹	-۰/۰۴	۰/۰۶۸	۰/۰۰۸	۰/۰۴	

۴.۶. بررسی گروه آزمایش در پس آزمون و پیش آزمون با آزمون مقایسه تی-جفت نمونه‌ای: در ادامه، آزمون مقایسه تی-جفت نمونه‌ای را برای گروه آزمایش در پس آزمون و پیش آزمون انجام داده‌ایم که مطابق جدول (۴) میانگین در گروه پس آزمون آزمایش به‌طور معناداری بیشتر از پیش آزمون آزمایش است؛ بنابراین آموزش یا رویکرد شناختی اثرات مثبت و معناداری بر روی گروه‌های آموزشی مراکز داشته است. با توجه به اختلاف میانگین آموزش حروف اضافه در دو مرکز آموزشی نمره‌های پیش آزمون و

و پس آزمون اختلاف معناداری دارند.

جدول ۴: آزمون مقایسه تی-جفت نمونه‌ای در پیش آزمون و پس آزمون گروه‌های آزمایش

گروه	میانگین	انحراف معیار	Differences Paired				sig
			میزان اختلاف در سطح اطمینان ۹۰٪		آماره T	درجه آزادی	
			حد پایین	حد بالا			
پیش‌آزمون آزمایش	۱۲۵۰۴	۲۵۰۷	-۱۲۵۸	۱۲۵۱۷	-	۰/۰۴	
پس‌آزمون آزمایش	۲۵۵۸۱	۲۵۱۰	-۱۲۵۸	۱۲۵۱۷	۲۹۵۰۶	۰/۰۴	

تحلیل‌های آزمون تی-مستقل و تی-جفت نمونه‌ای در مقایسه میانگین نمره‌های پیش آزمون گروه‌های آزمایش و کنترل نشان داد، بین دانش پیشین فارسی آموزان، تفاوت معناداری وجود نداشت (پیش آزمون گروه‌های کنترل ۱۳/۲ و ۱۳/۶۳؛ آزمایش ۱۳/۵۲ و ۱۲/۶۳)؛ حال آن که میانگین نمره‌های پس آزمون گروه‌ها مبین آن است که بین گروه‌های آزمایش و کنترل از نظر آماری تفاوت معناداری وجود داشت (پس آزمون گروه‌های کنترل ۱۳/۵۲ و ۱۳/۳۷؛ پس آزمون گروه‌های آزمایش ۲۶/۰۸ و ۲۵/۶۳). بر طبق نتایج، گروه‌های آزمایش که تحت آموزش به روش شناختی قرار گرفتند، در مقایسه با گروه‌های کنترل با روش سنتی، پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشتند.

۷. بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش، در چارچوب معنی‌شناسی شناختی با توجه به طرح‌واره‌های تصویری لیکاف و جانسون (۱۹۸۷) و نظریه حوزه‌های لانگاکر (۱۹۸۷) به ارائه مفاهیم مختلف حروف اضافه پرسامد فارسی برای فارسی آموزان پرداخته است. در رویکرد شناختی، یادگیری از طریق مفهوم‌سازی شکل می‌گیرد و رابطه‌ای نظام‌مند میان واژه و معنا وجود دارد. این پژوهش با ملاک‌های تعیین معنای پیش‌نمونه‌ای تایلر و ایوانز (۲۰۰۱)، طرح‌واره‌های تصویری لیکاف و جانسون (۱۹۸۷) و نظریه حوزه‌های لانگاکر (۱۹۸۷) از نظر نگاشت معانی از حوزه مکانی به حوزه زمانی و انتزاعی مرتبط است. همان‌طور که ذکر شد، مفهوم اولیه و پیش‌نمونه‌ای حروف اضافه «از»، «آغاز، اصل، مبدأ و منشأ» است که طرح‌واره تصویری آن، مفاهیمی مانند حرکت از پدیده اصلی (منبع) و دور شدن از آن به سوی پدیده‌های دیگر را در ذهن تداعی می‌کند. مفهوم اولیه و پیش‌نمونه‌ای حروف اضافه «به»، «اتصال به هدف و مقصد» است و طرح‌واره تصویری آن مفاهیمی مانند «نزدیک شدن و رسیدن به کسی یا چیزی» را می‌رساند. حروف اضافه «در»، مفهوم اولیه و پیش‌نمونه‌ای، «حجم و ظرف» دارد که بر اساس طرح‌واره‌های تصویری لیکاف و جانسون، مفاهیمی مانند «درون، داخل، میان، توی» نیز در ذهن تداعی می‌شود. همچنین، مفهوم پیش‌نمونه‌ای حروف اضافه «با»، دومین معنای آن به‌خاطر بسامد وقوع، یعنی «مجاورت و همراهی» است که مفاهیمی مانند «کمک، همراهی و داندگی» را نیز به همراه دارد. بر طبق نظریه حوزه‌های لانگاکر (۱۹۸۷)، اکثر مفاهیم دیگر این حروف اضافه، نوعی ارتباط مستقیم و یا غیر مستقیم با مفهوم پیش‌نمونه‌ای دارند و از حوزه مکان به حوزه‌های زمان و انتزاعی نگاشت می‌شوند. در این پژوهش سعی شد، پس از بررسی مفاهیم مختلف حروف اضافه پرسامد، برخی مفاهیم نیز در مراکز آموزش زبان فارسی دانشگاه امام رضا (ع) و جامعه المصطفی به فارسی آموزان سطح میانی ارائه شود. گروه‌های کنترل با روش سنتی و گروه‌های آزمایش مطابق رویکرد شناختی آموزش دیدند. بررسی میانگین نمره‌های پیش آزمون و پس آزمون گروه‌های کنترل بر طبق تی-مستقل و تی-جفت نمونه‌ای نشان می‌دهد، روش سنتی اثر معناداری بر روی فارسی آموزان نداشته است. در مقابل، میانگین نمره‌ها در پس آزمون گروه‌های آزمایش به‌طور معناداری بیشتر از پیش آزمون‌ها در گروه‌های کنترل و آزمایش است. بنابراین، آموزش حروف اضافه با روش معنی‌شناسی شناختی اثرات مثبت و معناداری بر روی گروه‌های آزمایش داشته است. از آنجا که هدف از آموزش یک زبان، یادگیری معنادار است، به نظر می‌رسد، توجه به روش‌هایی از این نوع توسط دست‌اندرکاران و مدرسان آموزش زبان، می‌تواند برای آموزش مقوله‌ای همچون حروف اضافه راهگشا باشد. البته باید خاطر نشان کرد که به دلیل گسترده بودن حوزه رویکرد شناختی و نیز حروف اضافه مختلف به ویژه در حوزه انتزاعی، نیاز به مطالعات بیشتری در این زمینه محسوس است.

فهرست منابع

- انوری، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ سخن. تهران: انتشارات سخن.
- بامشادی، پارسا؛ بامشادی، جواد و انصاریان، شادی. (۱۳۹۴). بررسی معنایی سه حرف اضافه «æra و wæl, ta» در کردی گورانی از دیدگاه شناختی. جستارهای زبانی، ۴ (۷)، ۵۹-۸۰.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۳). زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی. تهران: انتشارات سمت.
- رضویان، حسین و خانزاده، معصومه (۱۳۹۳). چندمعنایی حرف‌افزافه «به» در زبان فارسی با رویکرد معنی‌شناسی شناختی. فصلنامه مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران، ۷، ۵۷-۷۹.
- زاهدی، کیوان و زیارتی محمدی، عاطفه. (۱۳۹۰). «شبکه معنایی حرف‌افزافه فارسی «از» در چارچوب معنی‌شناسی شناختی». مجله تازه‌های علوم شناختی، س ۱، ش ۸۰، ص ۶۷-۸۰. کولیوندی، احمد، فاطمی منش، پورمند، علی (۱۳۹۸). پارسا ۲. تهران: جامعه‌المصطفی.
- گلفام، ارسلان، و یوسفی راد، فاطمه (۱۳۸۵). رویکرد معناشناسی شناختی به حروف اضافه مکانی زبان فارسی از منظر آموزشی، مطالعه موردی: حرف‌افزافه «در». پژوهش ادبیات جهان، ۱۴ (۵۶)، ۱۶۷-۱۷۹.
- مختاری شهره و رضایی، حدائق (۱۳۹۲). بررسی شناختی شبکه معنایی حرف اضافه «با» در زبان فارسی. مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، ۹، ۷۳-۹۴.
- Anvari, H. (2002). Sokhan Comprehensive Dictionary. Tehran: Sokhan [In Persian].
- Bamshadi, P., Bamshadi, J., & Ansarian, Sh. (2015). A cognitive semantic approach to prepositions "wal, ta, ara" in Kordi, Language related research, 4(7), 59-80. [In Persian].
- Dabir Moghadam, M. (2004). The theoretical linguistics: Emergence and complement of generative grammar. Tehran: Samt [In Persian].
- Golfam, A., & Yoosefi Rad, F. (2006). A cognitive approach to Persian spatial prepositions, Case study: preposition, "dar". Journal of The world Literature, 14, 167-179. [In Persian].
- Johnson, M. (1987). The Body in the mind: The bodily basis of meaning, imagination and reason. Chicago: The University of Chicago Press.
- Kolivandi, A., Fatemimanesh, A., & Poormand, A. (2019). Parsa 2. Tehran: Jame-e- Almostafa. [In Persian].
- Lakoff, G. (1987). Woman, fire and dangerous things: What categories reveal about the mind. Chicago: Chicago University Press.
- Lakoff, G., & Johnson, M. (1987). "The metaphorical logic of rape". Metaphor and Symbol, 2 (1), 73-79.
- Langacker, R. W. (1987). Foundations of cognitive grammar: Theoretical prerequisites. Stanford, California: Stanford University Press.
- Mokhtari, S, & Rezaie, H. (2013). A cognitive study in semantic network of Persian preposition "ba". Khorasan Linguistics and dialects, 9, 73-94 [In Persian].
- Razavian, H.; Khanzadeh, M. (2014). A cognitive semantics approach to poly-semantics of preposition "be" in Persian. Research in Western Iranian Languages and Dialects, 9, 57-79 [In Persian].
- Song, X. (2013). A cognitive linguistics approach to teaching English prepositions. PH. D Dissertation University of Koblenz. Landau Germany.
- Tyler, A., & Evans, V. (2001). Reconsidering prepositional polysemy networks: The case study of "over". London: Equinox.
- Tyler, A., Mueller, C., & Ho, V. (2011). "Applying cognitive linguistics to learning the semantics of English to, for and at: An experimental investigation". Vigo International Journal of Applied Linguistics, 8 (2), 181-205.
- Zahedi, K, & Ziarati, A. (2011). "A cognitive approach in semantic network of preposition "az"". New finding in cognitive sciences, 13 (1), 67-80 [In Persian].